

عصر

فصلنامه علمی دانشجویی عصر | ۶۱۵ / ۱۳۹۹
سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

در این شماره خواهید خواند.

بررسی ویژگی‌های هویتی رسول اکرم به عنوان الگوی حسنه، در کلام وحی

آزادی بیان
در قرآن کریم

اعترافات دانشمندان غربی
بر امی بودن پیامبر اعظم (ﷺ)

نقد داستان ورقه بن نوفل
از دیدگاه محققان علوم قرآنی





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فصلنامه علمی دانشجویی **عَصْرَانَا**

شماره مجوز: ۶۱۸/ک ن ش به تاریخ: ۹۸/۴/۵

صاحب امتیاز: انجمن علمی هیات دانشگاه شیراز

مدیر مسئول و سردبیر: حمیدرضا بختو، دانشجوی کارشناسی فلسفه و کلام اسلامی

استاد مشاور: دکتر زهرا قاسم نژاد

هیأت داوران:

دکتر قاسم کاکایی، دکتر محمد مهدی آجیلیان، دکتر محمد باقر عباسی، دکتر زهرا قاسم نژاد، دکتر علی اکبر کلاتری، دکتر محمدجواد سلمانپور، دکتر مجتبی جاویدی، دکتر صبورا حاج علی اورک پور.

هیأت تحریریه نشریه:

سیده محبوبه کشفی دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
زهرا امیدی: دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
ابراهیم حسین خانی: دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
فهمیه خراتی دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
الهام استوار: دانشجوی کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث
نرجس کارگر: دانشجوی کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث
حامد محرابی: دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث
حسین پرندهک: دانشجوی کارشناسی فقه و مبانی حقوق
مریم صادقی دوست دانشجوی کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی
عاطفه سلطانی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز
سیده صدیقه کاظمی، کارشناس فرهنگی دانشجویی دانشکده الهیات دانشگاه شیراز
ویراستار: سیده محبوبه کشفی، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز

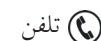
گرافیک و صفحه آرایی: **مضایق‌وار**

راه‌های ارتباط با نشریه

islamictheology28@gmail.com



۰۹۹۲۲۴۷۹۳۰۳



فهرست مطالب

- ۵ در محضر قرآن
- ۶ سرمقاله
- ۷ حفظ وحدت امت پیامبر رحمت بر مبنای آیات قرآن
- ۱۲ اعترافات دانشمندان غربی بر امی بودن پیامبر اعظم (ﷺ)
- ۱۴ آزادی بیان در قرآن کریم
- ۱۹ بررسی ویژگی‌های هویتی رسول اکرم (صلی الله علیه واله) به عنوان الگوی حسنه، در کلام وحی
- ۲۸ مصاحبه با خانم دکتر کاراندیش
- ۲۹ آنک آن یتیم نظرکرده
- ۳۰ سیره پیامبر اکرم (ﷺ) با نگاهی به قرآن کریم
- ۳۲ انتقام
- ۳۳ دوازده درهم با برکت
- ۳۴ نقد داستان ورقه بن نوفل از دیدگاه محققان علوم قرآنی
- ۳۵ احمدی و محمد و محمود
- ۳۶ جدول
- ۳۸ در محضر رسول گرامی اسلام





شرایط پذیرش مقالات

- هر مقاله از حدود ۷ تا ۱۰ صفحه کاغذ قطع آ چهار حروف نگاری شده تجاوز نکند؛
- مقاله حاوی چکیده فارسی و انگلیسی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد؛
- کلید واژه ها (دست کم ۵ تا ۷ واژه) پس از چکیده درج شود؛
- متن مقاله ها با نرم افزار word ۲۰۱۳ یا word ۲۰۱۰ و فونت B Nazanin ۱۱/۵ و واژه‌های انگلیسی با قلم ۱۰ Time New Roman نوشته شود و فایل مقاله از طریق وب سایت نشریه ارسال شود؛
- اعداد و نوشته های داخل جدول حتما باید به صورت فارسی نوشته شود بجای نقطه در اعداد فارسی باید ممیز (/) گذاشته شود.
- تمام صفحه‌ها از صفحه عنوان تا پایان آن، شماره‌گذاری شوند. شماره‌گذاری از یک شروع و به ترتیب ادامه یابد.
- زیر نام نویسنده یا نویسندگان، مرتبه علمی دانشگاهی، محل اشتغال، نشانی کامل، شماره تلفن، دورنگار و نشانی پست الکترونیکی درج و نویسنده مسؤول مکاتبات مشخص گردد.



در محضر قرآن



هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند

توبه/ ۳۳





سخن سردبیر

سرمقاله

پیامبر گرامی اسلام (ﷺ) تنها شخصیتی است که هدف از ارسالش، رحمت برای جهانیان معرفی شده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء/۱۰۷). رحمت بودن پیامبر گرامی اسلام برای جهانیان، نشان از نقش عظیم ایشان در جهان و در همه زمان‌ها دارد؛ زیرا آیینی که پیامبر به نشر آن پرداخت، نجات را برای همگان به ارمغان آورد. اما ذکر این نکته خالی از لطف نیست که رحمت بودن وجود پیامبر برای همه جهانیان، جنبه مقتضی و فاعلیت فاعل دارد و به قطع فعلیت نتیجه، بستگی به قابلیت قابل دارد.

با وجودی که امروزه، عظمت رسول گرامی اسلام و آیین او در جهان بر کسی پوشیده نیست اما عده‌ای مغرضانه و با لجاجت به ساحت مقدس پیامبر اسلام توهین می‌نمایند. این توهین‌ها هیچ‌گاه خدشه‌ای به مقام شامخ ایشان وارد نکرد و همچنین در آینده نیز قادر بر خدشه نخواهد بود، خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿بُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّأ أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (توبه/۳۲). در واقع، هرچه معاندان دین تلاش بیشتری کنند، عظمت و بزرگی شخصیت پیامبر گرامی اسلام روشن‌تر می‌شود و عالم را روشن می‌نماید.

این شماره نشریه عصر با توجه به شرایط کنونی - که برخی سعی در جسارت به پیامبر بزرگ اسلام دارند - به بررسی ابعاد از وجود رسول گرامی اسلام پرداخته است. در این مجال بر خود لازم می‌دانم از همه کسانی که با ارسال آثار خود در زمینه مقاله، داستان کوتاه، شعر، سرگرمی و ... ما را در نشر این شماره از نشریه یاری کردند، کمال تشکر و سپاسگزاری را داشته باشم.



حمیدرضا بختو

دانشجوی کارشناسی فلسفه اسلامی دانشگاه شیراز

مدیر مسئول و سردبیر

مقاله

حفظ وحدت امت پیامبر رحمت بر مبنای آیات قرآن

سیده محبوبه کشفی
دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز

mahboobeh.kashfi@yahoo.com



چکیده

پیامبر اکرم (ﷺ) با اخلاق پسندیده و خوش خلقی خویش سعی در جذب افراد به دین اسلام داشته است و آن را روشی مثبت در جهت حفظ وحدت و پیشرفت امت برشمرده است. در این پژوهش سعی بر آن است که عوامل حفظ وحدت امت اسلامی و تداوم آن از منظر قرآن کریم بررسی شود. از این رو با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با ارائه مستندات قرآنی و روایی سعی شده که این مفروضات اثبات گردد که وحدت امت اسلامی ارتباط مستقیم با نحوه تعاملات راهبردی پیامبر دارد. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که وحدت اسلامی یکی از مهم ترین ضرورت‌ها برای ایستادگی امت است که عواملی همچون تولی و تبری، حفظ روابط عاطفی، امر به معروف و نهی از منکر، قانون‌مداری در حکومت، رعایت قسط و عدل، حفظ امنیت و ... در حفظ وحدت امت اسلامی تاثیر گذار است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، پیامبر، امت اسلامی، وحدت، روابط رهبری.

مقدمه

دین اسلام برای برقراری عدالت میان انسان‌ها برنامه‌های اساسی دارد و بدین جهت قوانینی را در جهت تحقق این هدف توسط پیامبران و ائمه اطهار (ﷺ) نازل کرده است. انبیاء و اولیاء خدا مأمور شده‌اند، قانون خدا را در میان مردم برقرار و عدالت را جاری سازند. و بدین ترتیب، برنامه‌های تربیتی و انسان‌سازی در راستای برقراری قسط و عدل و جلوگیری از ستم ارائه شده است. اگر به عوامل ایجاد بصیرت و بینش اسلامی در صدر اسلام و راه‌های حفظ آن توجه کنیم، به وضوح می‌بینیم که بارزترین علل جنبش‌های اسلامی برخاسته از آموزه‌های

قرآن هستند. در این مجال، با استناد به آیات قرآن کریم و روایات به برخی از عوامل و راهکارهای پیامبر در جهت حفظ وحدت امت اسلامی پرداخته می‌شود.

ضرورت پرداختن به اصل وحدت امت اسلامی را می‌توان این‌گونه مثال زد که هزاران آجر متفرق ضعیف هستند، اما اگر یک آجر با دیگر آجرها در کنار هم قرار گیرند چنان قدرتی در دیوار به وجود می‌آید که سقوط آن چندان ساده نیست. قرآن مجید برای حفظ وحدت مسلمانان توصیه‌های اخلاقی ارزشمند دال بر حفظ روحیه مسلمانان دارد که در این مجال به برخی از آن عوامل پرداخته خواهد شد.

۱. امت اسلامی

بِالْمُؤْمِنِينَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۲۸﴾ (توبه/۱۲۸) ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ...﴾ (نور/۶۲) بی شک ارتباط روحی با رهبر و پذیرش جایگاه و شأن وی می‌تواند باعث اتحاد و همدلی شده و این امر، اقتدار امت اسلامی را به دنبال دارد.

فضیلت محبت و دوستی رسول (ﷺ) به جهت تاثیر آن در ایجاد پیوند و رابطه عاطفی و عملی بین مسلمانان و پیامبر اکرم (ﷺ) است. زمانی این دلدادگی و محبت، ارزش پیدا می‌کند که و سبب پیروی و الگوپذیری از آن حضرت بشود. اما اگر این محبت فقط در مرحله‌ی ادعا و اظهار زبانی باشد و موجب الگوپذیری نباشد، ارزش زیادی نخواهد داشت و محبت و دوستی واقعی قلمداد نمی‌شود.

۲-۳. اخوت دینی

دیدگاه قرآن در این زمینه بر این است که بشر از اصلی واحد برخوردار است. خداوند در آیات متعددی این امر مهم را متذکر می‌شود: ﴿أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...﴾ (حجرات/۱۳). قرآن کریم به منظور ارائه تصویری جذاب و روشن از مفهوم برادری، از پیوند برادری بهشتیان که برترین اجتماع مثال زدنی و تکامل یافته انسانی‌اند، سخن گفته و در توصیف آنان فرموده است: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ آدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَامِنِينَ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّقْبِلِينَ﴾ (حجر/۴۵-۴۷)

۳-۳. تولی و تبری

در فرهنگ شیعه «تولی» و «تبری» از اصول مذهب به حساب می‌آید. هر فرد موظف است که به مفاد «تولی» و «تبری» عمل کند که این دو اصل نقش عمده و تعیین کننده‌ای در سیاست داخلی و خارجی اسلام و مسلمانان در جهت جلوگیری از تفرقه مسلمانان دارند. خداوند متعال در آیه ۴ سوره مبارکه ممتحنه می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرءٌ وَأَ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ...﴾ قرآن کریم، اعلام براءت و تبری جویی از بینش مخالفان را از رفتار حضرت ابراهیم (ﷺ) برمی‌شمرد و از مومنان می‌خواهد که این رفتار حضرت را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهند.

این حقیقتی است که پیامبر اکرم به امت خود خطاب می‌کند: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (شوری/۲۳) «بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان» و بدین صورت هیچ مزدی را از امت خود نمی‌خواهد، بلکه دوستی با اهل بیت (ﷺ) را طلب می‌کند.

۴-۳. رعایت قسط و عدل

بدون تردید رعایت جنبه‌های قسط و عدالت، اصل بنیادین اخلاقی و سیاسی است که موجبات حفظ همبستگی و وفاق جامعه را فراهم می‌آورد. یکی از رسالت‌های دین مقدس اسلام، رواج عدالت در جامعه و دعوت بشر به عدل در تمامی شؤون زندگی است. قرآن مجید در آیات

از نام گرفتن اجتماع مردم به «امت» در فرهنگ اسلامی، می‌توان دریافت که در این فرهنگ مقدس، وجه مشترکی وجود دارد و آن موجب پیوستگی مردمان با یکدیگر است. منظور از «امت اسلامی»، مردمانی هستند که دین اسلام را به عنوان آیین و دین سعادت بخش در دو قلمرو مادی و معنوی پذیرفته‌اند (موتقی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۲). در واقع، همه افراد در جامعه مطلوب اسلامی دارای هدف مشترکی گرد هم آمدند تا با رهبری مشترک به سوی ایده‌آل خود حرکت کنند (مفتح، ۱۳۸۸، ص ۲۲۱).

۲. حفظ وحدت امت اسلامی

وحدت اسلامی، ضرورت و قدرت حقیقی جهت ایستادگی در برابر تمدن‌ها است. این قدرت حقیقی می‌تواند زمینه‌های رشد و پیشرفت را در تمامی جنبه‌های مادی و معنوی برای جامعه فراهم کند (حکیم، ۱۳۷۷، ص ۳۰-۳۱). خداوند متعال در آیه ۴ سوره مبارکه صف، پیکار فی سبیل الله را مشروط بر اتحاد و انسجام کامل همچون سدی بنیادین برشمرده که هیچ کس قادر به شکستن و از بین بردن آن نخواهد بود. این نکته را باید خاطر نشان کرد که نه تنها در نبردهای نظامی بلکه در نبرد سیاسی و اقتصادی نیز جز از طریق وحدت، کاری موثر نیست. قرآن کریم زندگی بشر را به سان جامعه‌ای برمی‌شمرد که رفتارها و روابط همگون و یکسانی را بی‌ریزی کرده است: كَانِ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ﴿بقره/۲۱۳﴾ و ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (انبیاء/۹۲). حضرت علی (ﷺ) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه با بیان سرگذشت امت‌های پیشین، مردم را به عبرت گرفتن از سرنوشت آن‌ها و علل تعالی و هبوط آن‌ها رهنمون می‌سازد: «... وَصَلَّتِ الْكَرَامَةُ عَلَيْهِمْ مِنْ الْإِحْتِنَابِ لِلْفَرْقَةِ وَاللُّزُومِ لِلْأَلْفَةِ وَالتَّحَاضِّ عَلَيْهِمَا وَالتَّوَاصِي بِهِمَا وَاجْتِنَابِ كُلِّ أَمْرٍ كَسَرَ فِقْرَتَهُمْ...» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۹۶) «... آن اموری که موجب شوکت و عزت امت‌های گذشته شده، دوری گزیدن از تفرقه، همت گماشتن، توصیه و ترغیب یکدیگر بر رعایت اتحاد و همبستگی بود. آن‌ها از هر امری که ستون فقراتشان را می‌شکست، اجتناب می‌ورزیدند...»

۳. اصول حفظ وحدت در جامعه اسلامی

با تأمل در مضامین قرآن کریم، به مجموعه‌ی اصول اساسی برای دستیابی به وحدت در جامعه اسلامی دست می‌یابیم.

۱-۳. حفظ روابط عاطفی میان رهبری و مردم

یکی از پایه‌های مهم وحدت اسلامی، جایگاه ارجمند رهبری است. این اصل سبب امتیاز نظام اسلامی نسبت به نظام‌های موجود دنیا شده است. رهبری، نقش عظیمی در حفظ، استمرار وحدت اسلامی، اقتدار و عزت مسلمانان خواهد داشت. در این باره قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ

امت اسلامی و جامعه مطلوب همان جامعه‌ای است که نه غرق دنیا طلبی باشد و نه تنها به آخرت خویش بیندیشد: ﴿وَ اِتَّخِذْ فِيمَا ءَاتَاكَ اللهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا...﴾ (قصص/۷۷) حضرت علی (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: ﴿لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فَرَاعَكَ وَ سَبَابَكَ وَ نَسَاطَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ﴾ (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۲۵) «تندرستی، قوت، فراغت، جوانی و نشاطت را فراموش نکن که به وسیله آنها می‌توانی به آخرت برسی»

بنابراین جامعه اسلامی عزتمند، جامعه‌ای است که در عین برخورداری از پیشرفته‌ترین تکنولوژی روز دنیا و آخرین دستاوردهای علمی جهان، دارای والاترین گرایش‌های معنوی و قوی‌ترین انگیزه‌های خدایی بوده و در جهت رشد امت تلاشی همه جانبه داشته باشد. در روایتی، پیامبر اکرم (ص) مومنان را از اینکه به طور کامل به دنیا گرایش یابند - همچنان که یهود چنین‌اند - و از اینکه دنیا را رها کرده و به رهبانیت رو آورند - همچنان که برخی از نصاری چنین کاری را مرتکب می‌شوند - نهی کرده است (ماوردی، ۱۴۰۹، ص ۲۶۹).

۳-۷. قانون مداری در امر حکومت

حضرت علی (ع) در خطبه ۹۴ نهج البلاغه در وصف سیره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «سَيْرُهُ الْقَصْدُ، وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ، وَ كَلَامُهُ الْفُضْلُ، وَ حُكْمُهُ الْعَدْلُ» «راه و رسم او معتدل و روش او صحیح و متین و سخنانش روشنگر از باطل و حکمتش عادلانه بود». (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۹۴)

قانون‌پذیری و قانون‌مندی، از مشخصه‌های جامعه مقبول دین اسلام است. حجم کثیری از آیات قرآن کریم، پس از تبیین قوانین فردی و اجتماعی مورد قبول اسلام به تأکید بر التزام عملی نسبت به آنها اختصاص یافته است از جمله آیات (بقره/۲۴۰، مائده/۹۵، نساء/۱۳، طلاق/۱، توبه/۹۷) بر «حدود» و ضوابط مقرر از سوی خداوند برای کنترل اعمال شخصی افراد یا تنظیم روابط انسان‌ها در جامعه با یکدیگر، دلالت می‌نماید و این همان احکام و قوانینی است که از سوی خداوند متعال تشریح شده تا زمینه تعالی روح انسانی را فراهم نموده و او را به سعادت اخروی رهنمون گرداند (مفتح، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱)؛ زیرا که هدف تمامی قوانین، رفع نیازها و اصلاح امور رعایا است. این کتاب آسمانی برای تشویق مردمان در التزام به قوانین و تحذیر از بی‌قانونی، به ذکر پیامدهای شوق انگیز این التزام و عواقب خوفناک آن اشاره می‌کند: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللهِ وَ مَنْ يُطِعِ اللهَ وَ رَسُوْلَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِيْنَ فِيْهَا وَ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ وَ مَنْ يَعْصِ اللهَ وَ رَسُوْلَهُ يَتَعَدَّ حُدُوْدَهُ يَدْخُلْهُ نَارًا خٰلِدًا فِيْهَا وَ لَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (نساء/۱۳-۱۴)

۳-۸. برقراری امنیت اجتماعی

از وظایف اولیه و بديهی هر حکومتی آن است که امنیت را در جامعه برقرار کند، وجود امنیت در جامعه نشانه‌ی استقرار و اقتدار حکومت است. فقهای شیعه آن‌گاه که در مقام یافتن حکم شرعی مسئله می‌باشند، «نظام المعیشه» را به عنوان امری که اخلال به آن جایز نبوده، در نظر گرفته و بر این اساس به استنباط حکم شرعی می‌پردازند (کپانی اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۳۵). خداوند متعال در قرآن کریم این امر مهم

عده‌ای مسلمین را دعوت به عدالت فرموده که می‌توان به عدالت در سخن گفتن (انعام/۱۵۲)، عدالت در معاملات (نساء/۵۸)، عدالت در شهادت و گواهی (انعام/۱۵۲)، عدالت در خانواده با همسران (نساء/۳) اشاره کرد.

برقراری عدالت اجتماعی یکی از اساسی‌ترین اهداف مشترک همه پیامبران است و قرآن کریم با تعابیر متعدد از جمله قسط، عدل، میزان و... این امر مهم را متذکر شده است، و با صراحت ماموریت و رسالت انبیاء را برقراری عدالت در میان بشر بیان می‌کند. بنابراین عدالت اجتماعی از عمده‌ترین مسائل اجتماعی است که در ساختار جامعه اسلامی عزتمند و قدرتمند نقش اساسی دارد (بیگی، ۱۳۸۹، ص ۵۸۶). صاحب تفسیر نور، حجت الاسلام قرائتی در ذیل آیه ۱۳۵ سوره نساء بدین اصل اساسی و قانون کلی توجه می‌دهد و تمام کلمات و جملات این آیه را در راستای تشویق و تأکید به عدالت تفسیر می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۰۶).

وحدت خود هدفی اسلامی-انسانی است که با کلیت اهداف اساسی دینی در ارتباط است و اساساً بدون تحقق اصول مذکور نمی‌توان وحدت اسلامی و پیشرفت جامعه‌ای عزتمند و قدرتمند را انتظار داشت (حکیم، ۱۳۷۷، ص ۱۱۹). پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت به مدینه و قبول رهبری، با پیمان‌هایی میان قبایل ساکن دینه و یهودیان همبستگی و الفت برقرار کرد. این پیمان اولین قراردادی بود که بین پیامبر، طوائف و قبایل موجود یثرب بسته شد. این تدبیر بهترین روش برای به وجود آوردن وحدت و همبستگی دینی بود، زیرا که وحدت میان قبایل درگیر، حقوق اجتماعی یهودیان و نیز مهاجران مسلمان را تضمین می‌کرد و از سویی دیگر، این پیمان‌ها مقدمات تشکیل یک وحدت سیاسی و حکومتی را فراهم می‌آورد.

۳-۵. امر به معروف و نهی از منکر

رواج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، سبب می‌شود که ناهنجاری‌های اجتماعی از طریق برخورد مسالمت‌آمیز افکار عمومی جامعه سامان یابد (مفتح، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱). این دو امر چنان مهم است که در قرآن کریم در وصف جامعه‌ی ستوده، بر رواج و نهادینگی فرهنگ «امر به معروف و نهی از منکر» تأکید شده است: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللّٰهِ...﴾ (آل عمران/۱۱۰) در این آیه مسلمانان به عنوان بهترین امتی معرفی شده‌اند که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج گردیده‌اند و دلیل بهترین امت بودن آن‌ها را نیز امر به معروف و نهی از منکر می‌داند که اصلاح جامعه بشری بدون این دو ممکن نخواهد بود. نکته قابل توجه این است که زمانی امر به معروف و نهی از منکر محقق می‌شود که مسلمانان و افراد جامعه به صورت امتی واحد باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۸؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۲۹) با نهادینه شدن این دو اصل در جامعه، افزون بر فراهم آوردن شرایط برای امتی بهتر، زمینه اقتدار و عزت را نیز فراهم می‌آورد.

۳-۶. اعتدال و میانه روی

اعتدال و میانه‌روی در همه امور، از مشخصه‌های جامعه‌ی مقبول و امت مورد رضای خداوند تعالی می‌باشد. طبق فرموده‌ی قرآن کریم،

را متذکر شده است: ﴿وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تَحْرِبُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ...﴾ (بقره/۸۴) و امنیت جان و وطن را سفارشی به همه مکاتب اسلامی معرفی می‌کند.

۳-۹. استقلال و خودکفایی

پیامبر اعظم (ﷺ) تلاش کرد تا با الهام از آیه ﴿...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء/۱۴۱) استقلال را با تمام وجوهش به ارمغان آورد و آن را به جامعه اسلامی هدیه نماید تا مردم با حفظ ایمان هیچ‌گاه در سیطره‌ی کفار قرار نگیرند. روحیه‌ی استقلال و خودکفایی نشانه‌ای از وجود عزت و کرامت نفس در وجود بشر است و در محورهای متعددی از جمله فرهنگ و اقتصاد قابل بررسی است:

۳-۹-۱. استقلال فرهنگی: به معنای حفظ هویت ملی یک ملت

است، از این رو پیامبر اکرم (ﷺ) همواره در اندیشه استقلال کامل فرهنگی بود تا بتواند بدون تکیه بر دیگر فرهنگ‌ها و الگوپذیری از بیگانگان، فرهنگ خود را ترویج و آن را به انجام رساند: ﴿...جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا كِنَ لِيَلْوَكُمْ فِي مَا آتَيْتُكُمْ...﴾ (مائده/۴۸) که در این آیه بیان شده که برای هر یک از یهودیان، مسیحیان و مسلمانان راه و روش خاصی قرار داده شده است که هر گروه باید به نوبه‌ی خود در جهت تکمیل اعتقادات و مبانی خود تلاش کند و آن را به کامل‌ترین دین و آیین (دین خاتم پیامبر اکرم (ﷺ)) نزدیک سازد و آن دین کامل را بپذیرد.

۳-۹-۲. استقلال اقتصادی: از جمله راه‌های سلطه کفار بر مومنان،

سلطه اقتصادی است. مطابق آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال ﴿وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾ مومنان وظیفه دارند که با همت بلند، خود را از هر نوع وابستگی‌هایی رهایی دهند. اگرچه سیاق آیات پیرامون جنگ می‌باشد، اما عبارت «من قوه» شمولیت آن را نشان می‌دهد (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۵۱). پیامبر همواره به پیروان خود دستور می‌داد تا با هدف حفظ استقلال خود و با تکیه بر توانمندی‌های خود، نیازهای خود را برآورده کنند: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَيْدِ يَدِهِ خَالًا فَتَحَ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ» (نوری، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۲۴). «هر کس که از دست رنج حلال خود، معاش خویش را تامین نماید درهایی از بهشت بر روی او گشوده می‌شود» این حدیث هرچند دستوری فردی است ولی اجرایی شدن آن شامل فرد و جامعه می‌شود.

۳-۱۰. تلاش و استقامت در راستای تحقق اهداف

از مهم‌ترین عوامل موثر در سرنوشت فرد و جامعه، کیفیت عملکرد است. دنیا، دنیای اسباب و عوامل است و هر کس به هر شکلی که از اسباب و عوامل استفاده کند، به همان نسبت هم نتیجه‌گیری می‌کند. در واقع، هر کس که در نظام آفرینش در جهت تحقق اهدافش سعی و کوشش بیشتری انجام دهد، بی‌بهره نخواهد ماند. این تذکر مهم قرآن را که می‌فرماید: ﴿وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم/۳۹) باید به عنوان یک اصل اساسی بشناسیم و در رسیدن به اهداف از هیچ کوششی دریغ نورزیم.

اعتلای ارزش‌ها و پیاده‌سازی اهداف بلند مستلزم تلاش و استقامت بر آرمان‌ها است. آن‌گونه که به پیامبر اعظم (ﷺ) نیز این دستور رسیده است: ﴿فَاسْتَقِيمْ كَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ...﴾ (هود / ۱۱۲). از این آیه استنباط می‌شود که نه تنها رهبران و مدیران بلکه پیروان نیز در جهت تحقق آرمان‌ها و اهداف والا از هیچ کوششی دریغ نورزند. این حدیث پیامبر (ﷺ) نیز ناظر به تاکید ایشان بر این اصل است «الْأَمُورُ بِتَمَامِهَا، وَ الْأَعْمَالُ بِخَوَاتِمِهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۳۵۲) «کارها و اعمال را به کمال و سرانجام رسانید».

خودباختگی و عدم شخصیت مستقل بعضی از افراد در جامعه‌های مذهبی موجب ایجاد تفکر منفی در نظر برخی کومه‌فکران می‌شود. به این صورت که تصور کنند که اگر مردم بی بند و بار باشند، رشد صنعتی و تکنیکی خواهند داشت و این در حالی است که عوامل پیشرفت‌های تکنیکی، کار و تلاش و اندوختن تجربه‌ها است (اختری، ۱۳۷۵، ص ۷۳). پیمان‌ها و اهداف اجتماعی همچون اتصالات یک کارخانه است که افراد اجتماع را به هم پیوند و روابط اجتماعی را برقرار می‌سازند. هر اندازه پیمان‌های اجتماعی محکم و افراد اجتماع در تحقق اهداف کوشا باشند، جامعه در امنیت بیشتری به سر می‌برد. خداوند باری تعالی در سوره معارج، پاداش این‌گونه افراد را چنین می‌فرماید: ﴿وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ... أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ﴾ (معارج/۳۲-۳۵)

۳-۱۱. طاغوت ستیزی و ستم‌گریزی

اسلام، دینی اجتماعی است و بدهی است که سعادت کامل یک جامعه و بزرگ‌ترین آرزوی افراد این است که منافع حیاتی آنان بدون اعمال هیچ ظلمی تامین گردد و از کشمکش‌ها و تجاوزهایی که زندگی و صفای آن را تهدید می‌کند، جلوگیری شود. دین کامل اسلام برای تحقق این امر دو دستور کلی می‌دهد:

۳-۱۱-۱. حفظ منافع افراد: انسان موجودی زمینی است که

نیازمندی‌های خود را با نیروی جسم و روح و نعمات الهی رفع می‌نماید و به همین دلیل است که هر چه بر روی زمین و آنچه که از آن رویش می‌کند، را از خود می‌داند. خدای تعالی نیز در کلام خود این مطلب را تایید می‌کند: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...﴾ (بقره/۲۹) و از طرف دیگر، اجتماعی بودن انسان موجب شده که برای رفع نیازهای مادی و عاطفی خود به هم‌نوعان خود نیازمند باشد. از این رو، فرد با عدم رعایت حقوق و منافع دیگران موجب مختل شدن این اصل و برهم‌خوردگی این نظام می‌شود که نتیجه‌ی آن حاکم شدن ظلم بر جامعه خواهد بود.

۳-۱۱-۲. لغو امتیازات طبقاتی: به این معنا که افراد در جامعه

اسلامی با هم برابرند و برابری و هرگز کسی حق ندارد به استناد ثروت یا نیروی دیگری، افراد زبردست خود را خوار و سبک شمرد. همانطور که خداوند متعال در آیه ۱۰ سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ و همچنین در آیه ۳۴ سوره نمل ﴿قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرَءَ

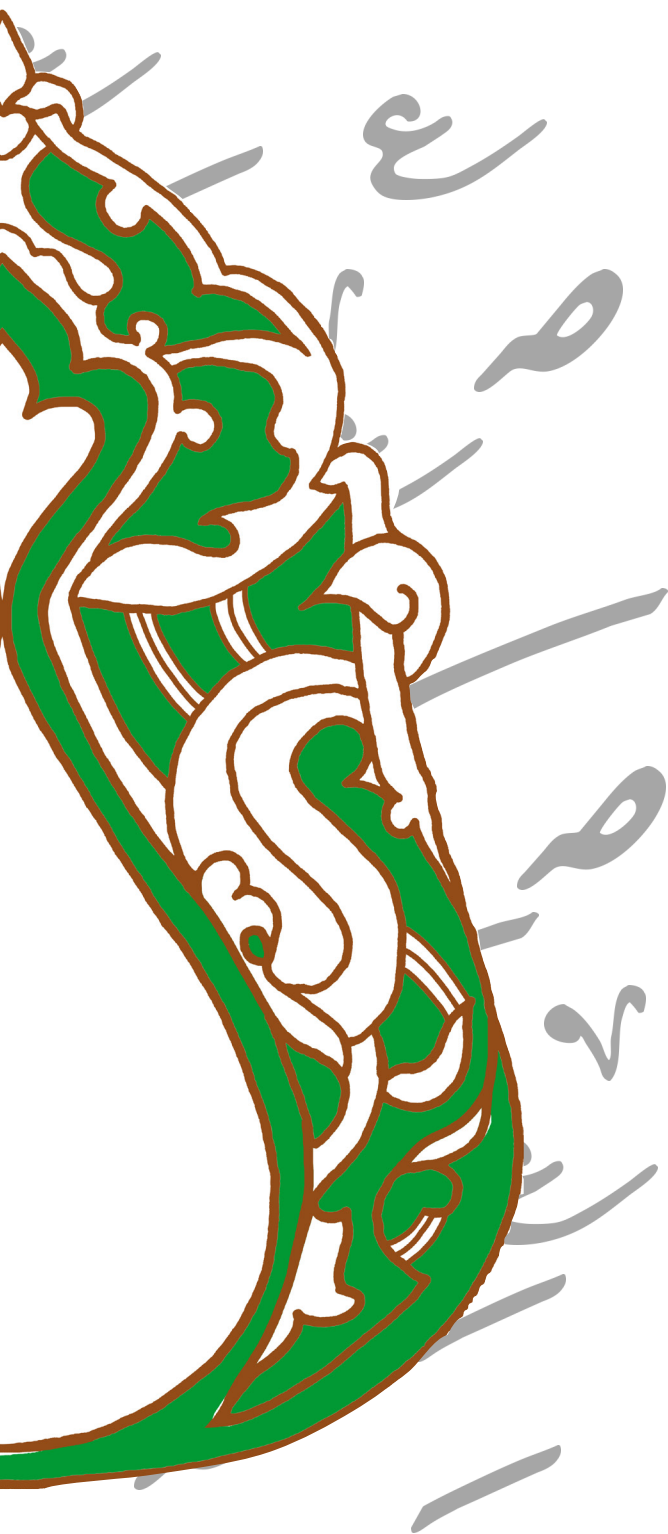
أَهْلِهَا أَذَلَّةٌ وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿۱۳﴾ این تذکر داده شده است. پیامبر اکرم (ﷺ) با در نظر نداشتن اختلاف طبقاتی میان افراد، همه را به دین اسلام دعوت نمود و با عملکرد خویش به امت اسلام چنین آموخت که معیار برتری افراد بر یکدیگر، ثروت و مال نیست. به بیانی دیگر، اختلاف طبقاتی معیار ارزش گذاری بر انسان‌ها نمی‌باشد بلکه معیار برتری افراد تقوا و پرهیزکاری است: ﴿إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات/ ۱۳).

۱۲-۳. آگاهی و بصیرت به زمانه

حضور در زمانه، درک حوادث روزگار خود، شناخت جریان‌ها و غایب نبودن از زمان خویش و مناسبات بین المللی، عنصری اساسی در اقتدار و عزت یک جامعه اسلامی به شمار می‌رود؛ زیرا هرچه زمانه شناسی دقیق‌تر، درست‌تر و همه جانبه‌تر باشد، میزان فریب خوردگی و اسیر شدن در دام‌های دشمنان کم‌تر خواهد بود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۸۵). خداوند این امر مهم را عامل عزت و ترفیع درجات به حساب آورده است: ﴿...يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (مجادله/ ۱۱). حضرت علی (ع) نیز آگاهی مردم به حوادث جامعه را امری ضروری تلقی می‌کنند: «أَعْرِفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ ، مَنْ لَمْ يَتَّعَجَبْ مِنْ أَحْدَاثِهِ» (تمیمی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۴۹). «آشناترین مردم به احوال زمانه، کسی است که از حوادث و اتفاقات آن شگفت زده نشود». هوشیاری و بیداری در مقابل توطئه‌ها و نقشه‌های بیگانگان نیز از لوازم مقابله با آنان می‌باشد. امام خمینی (ره) احتمال تجاوز بیگانگان را در هر لحظه جدی می‌دانست و در مورد آمادگی و هوشیاری مردم تاکید جدی داشت (مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۵۲).

نتیجه گیری

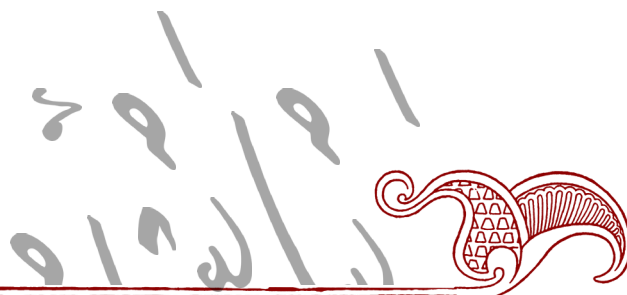
پیام‌ها و رهنمودهای بصیرت بخش قرآن، زمینه ساز حفظ وحدت اسلامی در دوره‌های زمانی مختلف می‌باشد. عوامل اصلی در ایجاد و تداوم وحدت عبارتند از روابط عاطفی رهبری و مردم، برقراری عدالت، امر به معروف و نهی از منکر، حفظ امنیت اجتماعی و اقتصادی، قانون مداری در حکومت و ... می‌باشند. خداوند متعال در قرآن کریم با ارائه عملکرد انبیاء و به ویژه پیامبر اکرم (ﷺ) در حفظ وحدت اسلامی، پاسخگوی افکار مخاطبان و فرصتی برای اندیشیدن را به آنان می‌دهد که با کاربست عوامل معرفی شده، جامعه خود را از جاهلیت برون آورده و به سوی وحدت اسلامی سوق دهند. برقراری عدالت اجتماعی یکی از اساسی ترین اهداف مشترک همه پیامبران است، پیامبر اکرم (ﷺ) پس از هجرت به مدینه و قبول رهبری، با انعقاد پیمان‌ها بهترین روش برای به وجود آوردن وحدت و همبستگی دینی فراهم آورد و توانست مقدمات تشکیل یک وحدت سیاسی و حکومتی را فراهم آورد.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، **معانی الاخبار**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲. اختری، عباسعلی (۱۳۷۵)، **سیمای کارگزاران از دیدگاه اسلام**، سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان.
۳. بیگی، روح‌الله (۱۳۸۹)، **ارزش‌های اجتماعی در قرآن**، قم: انتشارات اسوه، چاپ دوم.
۴. تمیمی امدی، عبدالواحد (۱۴۰۷)، **غرر الحکم و درر الحکم**، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۵. حکیم، سید محمد باقر (۱۳۷۷)، **وحدت از دیدگاه قرآن و سنت**، مترجم عبدالهادی فقهی زاده، تهران: موسسه فرهنگی انتشارات تبیان.
۶. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، **ترجمه نهج البلاغه**، قم: انتشارات الهادی.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۳)، **تفسیر موضوعی نهج البلاغه**، قم: دفتر نشر معارف.
۸. طباطبایی، محمد حسین (بی تا)، **اسلام و اجتماع**، تهران: انتشارات جهان آرا.
۹. قرآتی، محسن (۱۳۸۳)، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۰. کمپانی اصفهانی، شیخ محمد حسین (۱۴۱۸)، **حاشیه کتاب المکاسب**، قم: بی‌نا.
۱۱. ماوردی، علی بن حسن (۱۴۰۹)، **اعلام النبوه**، بیروت: نشر دار و مکتبه الهلال.
۱۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه اطهار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۶۲)، **صحیفه نور** (مجموعه رهنمودهای امام خمینی).
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. موثقی، سید احمد (۱۳۷۰)، **استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۱۶. نوری، حسین (۱۴۰۹)، **مستدرک الوسائل**، بیروت: آل بیت.



مقاله

اعترافات دانشمندان غربی بر امی بودن پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)

دکتر حمید ایماندار

عضو هیات علمی بخش علوم قرآن و فقه، دانشگاه شیراز

Hamidimandar@yahoo.com



که کتاب‌هایی نزد خود دارد و مطالبی که می‌آورد، از آن کتاب‌ها استفاده کرده است. اگر پیغمبر کوچک‌ترین آشنایی با خواندن و نوشتن داشت، به قطع، به آن می‌شد.

اعترافات خاورشناسان

خاورشناسان نیز که با دیده انتقاد به تاریخ اسلامی می‌نگرند، کوچکترین نشانه‌ای بر سابقه خواندن و نوشتن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیافتند و بر درس ناخواندگی پیامبر و امت درس ناخوانده اعتراف کردند.

■ توماس کارلایل در کتاب معروف «الابطال» می‌گوید: «یک چیز را نباید فراموش کنیم و این که محمد هیچ درسی از هیچ استادی نیاموخته است؛ صنعت خط تازه در میان مردم عرب پیدا شده بود؛ به عقیده من حقیقت این است که محمد با خط و خواندن آشنا نبود، جز زندگی صحرا چیزی نیاموخته بود.»

یکی از نکات روشن زندگی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) این است که درس ناخوانده و مکتب‌نادیده بوده است. به عبارت دیگر، نزد هیچ معلمی نیاموخته و با هیچ نوشته و دفتر و کتابی آشنا نبوده است. هیچ یک از موزخان، مسلمان یا غیر مسلمان، ادعا نکرده است که آن حضرت در دوران کودکی یا جوانی و یا دوران پیری، دوره رسالت، نزد کسی خواندن یا نوشتن آموخته است. همچنین شاهد و قرینه‌ای وجود ندارد که ایشان قبل از دوران رسالت، یک سطر خوانده و یا یک کلمه نوشته است.

به طور کلی مردم عرب در آن عصر، به‌ویژه عرب‌های منطقه حجاز، مردمی بی‌سواد بودند و افراد انگشت‌شماری قادر بر خواندن و نوشتن بودند. بنابراین، بعید است که شخصی در آن محیط، این فنون را بیاموزد، اما در میان مردم به این صفت معروف نشود.

چنان که می‌دانیم مخالفان پیغمبر اکرم در آن تاریخ، او را به اخذ مطالب از افواه دیگران متهم کردند، ولی هیچ‌گاه به جهت باسوادی و آشنایی با خواندن و نوشتن متهم نکردند. همچنین ایشان را متهم نکردند

■ گوستاو لوبون در کتاب معروف «تمدن اسلام و عرب» می‌گوید: «این طور معروف است که پیغمبر امی بوده است و آن مقرون به قیاس هم هست؛ زیرا اولاً اگر از اهل علم بود ارتباط مطالب و فقرات قرآن به هم بهتر می‌شد. به‌علاوه آن هم قرین قیاس است که اگر پیغمبر امی نبود، نمی‌توانست مذهب جدیدی شایع و منتشر سازد؛ برای اینکه شخص امی به احتیاجات اشخاص جاهل بیشتر آشناست و بهتر می‌تواند آن‌ها را به راه راست بیاورد. به هر حال، پیغمبر امی باشد یا غیر امی، جای هیچ تردیدی نیست که او آخرین درجه عقل و فراست و هوش را دارا بوده است.»

گوستاو لوبون به جهت ناآشنایی با مفاهیم قرآنی و افکار مادی، سخن یاوه‌ای درباره‌ی ارتباط آیات قرآن و عاجز بودن عالم از درک احتیاجات جاهل می‌بافد و به قرآن و پیغمبر اهانت می‌کند؛ اما اعتراف دارد که هیچ‌گونه سند و نشانه‌ای بر سابقه آشنایی پیغمبر اسلام از خواندن و نوشتن وجود ندارد.

غرض از نقل سخن خاورشناسان، استشهاد به سخن‌شان نیست؛ زیرا که مسلمانان و مشرق‌زمینی‌ها برای اظهار نظر درباره‌ی تاریخ اسلام و مشرق‌شایسته‌ترند. بنابراین غرض از نقل اقوال این است که اگر کوچک‌ترین نشانه‌ای در این زمینه وجود می‌داشت، از نظر مورخان کتجکاو و منتقد غیر مسلمان پنهان نمی‌ماند.

برگرفته از کتاب «پیامبر امی» از شهید مرتضی مطهری

■ ویل دورانت در کتاب «تاریخ تمدن» می‌گوید: «ظاهراً هیچ کس در این فکر نبود که وی (رسول اکرم) را نوشتن و خواندن آموزد. در آن موقع، هنر نوشتن و خواندن به نظر عربان اهمیتی نداشت؛ به همین جهت در قبیله قریش بیش از ۱۷ تن خواندن و نوشتن نمی‌دانستند. معلوم نیست که محمد چیزی نوشته باشد. از پس پیامبری کاتب مخصوص داشت. مع ذلک، معروف‌ترین و بلیغ‌ترین کتاب زبان عربی به زبان وی جاری شد و دقایق امور را بهتر از مردم تعلیم‌داده شناخت.»

■ جان دیون پورت در کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن» می‌گوید: «درباره تحصیل و آموزش، آن طوری که در جهان معمول است، همه معتقدند که محمد تحصیل نکرده و جز آنچه در میان قبیله‌اش رایج و معمول بوده چیزی نیاموخته است.»

■ کنستانتین وبرژیل گئورگیو در کتاب «محمد پیغمبری که از نو باید شناخت» می‌گوید: «با اینکه امی بود، در اولین آیات که بر وی نازل شده صحبت از قلم و علم، یعنی نوشتن و نویسندگی و فراگرفتن و تعلیم دادن است. در هیچ‌یک از ادیان بزرگ، این اندازه برای معرفت قائل به اهمیت نشده‌اند و هیچ دینی را نمی‌توان یافت که در مبدأ آن، علم و معرفت اینقدر ارزش و اهمیت داشته باشد. اگر محمد یک دانشمند بود، نزول این آیات در غار (حرا) تولید حیرت نمی‌کرد؛ چون دانشمند قدر علم را می‌داند، ولی او سواد نداشت و نزد هیچ آموزگاری درس نخوانده بود. من به مسلمانانها تهنیت می‌گویم که در مبدأ دین آنها کسب معرفت این قدر با اهمیت تلقی شده.»



مقاله

آزادی بیان در قرآن کریم

ساره تنافرد

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز

s.tanafard@gmail.com

چکیده

انسان، آزاد و مختار آفریده شده است و حق اندیشیدن، سخن گفتن و عمل کردن در راه رشد استعدادهای خود را دارد. هرگونه اطاعت محض از هم‌نوع و یا اجبار افراد به انجام کارهایی برخلاف میل و فکر، به معنای بردگی و بندگی کشاندن انسان‌ها است و این از دیدگاه اسلام مردود است. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی دیدگاه قرآن و اسلام در زمینه آزادی بیان پرداختیم و دریافتیم که قرآن، آزادی در تمامی ابعاد زندگی؛ اعم از انتخاب دین، بیان افکار و عقاید را حق همه انسان‌ها می‌داند و از مسلمانان می‌خواهد تا با ایجاد امنیت کامل برای مخالفان، اجازه شنیدن سخن حق را به آنان بدهند و همچنین به کسانی که اقوال مختلف را می‌شنوند و بهترین آن‌ها را برمی‌گزینند، بشارت می‌دهد. اما قرآن اجازه تعرض به آزادی سایر انسانها را نمی‌دهد و با وضع قوانینی همچون عدم اهانت به مقدسات و نحوه سخن گفتن با هم‌نوعان این مهم را محقق کرده است.

واژگان کلیدی: قرآن، آزادی بیان، اهانت به مقدسات، آزادی عقیده



مقدمه

اسلام بنا به اعتقاد مسلمانان، دینی کامل و همه جانبه است که در وضع قوانین فردی و اجتماعی، تمام ابعاد زندگی بشر را توجه کرده است و از مصالح هیچ یک از افراد فروگذار نکرده است. یکی از نیازهای انسان و مسائل مطرح در جامعه امروز بشری، آزادی است؛ اما متأسفانه با سوء استفاده از لفظ آزادی در برخی جوامع، حقوق سایر انسانها نادیده گرفته می‌شود که اهانت اخیر نشریه‌ی فرانسوی به پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (ﷺ) یکی از مصادیق این مطلب است. در این نوشتار بر آن شدیم تا با بررسی آیات قرآن مشخص کنیم که دیدگاه قرآن درباره این نیاز بشر چیست؟ و دستیابی به آن در دین اسلام تا چه حد میسر است؟ به کدام یک از ابعاد آزادی در قرآن اشاره شده است؟ و آیا برای آزادی حد و مرزی مشخص شده است یا خیر؟

پیشینه تحقیق

بحث آزادی و به‌ویژه آزادی بیان مبحثی است که از جوانب گوناگون و در رشته‌های مختلف علوم اعم از روانشناسی، جامعه‌شناسی، ادیان مختلف و ... قابل بررسی است و در مورد آن مطالب بسیاری نوشته شده است. با توجه به گستردگی زوایای بحث پیرامون این موضوع، تا کنون مقالات مختلفی به زوایای مختلف آن نگاشته شده است. مقاله «حق آزادی بیان از منظر قرآن کریم» نوشته سید کاظم سید باقری است که در آن با تکیه بر آزادی سیاسی به بیان معارف گسترده‌ای از آزادی بیان می‌پردازد، مقاله «آزادی عقیده و آزادی بیان با تکیه بر واکاوی تفسیری آیه (لا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ)» نوشته سید حسین حسینی کارنامی که با بررسی تفاسیر متفاوت از این آیه سعی در بیان آزادی عقیده و مفهوم ارتداد دارد. اما هدف این مقاله بررسی آزادی بیان از دیدگاه قرآن به منظور پاسخ به سوء استفاده نشریه فرانسوی از مفهوم آزادی و اهانت به ساحت مقدس پیامبر گرامی اسلام است.

۱. آزادی بیان در قرآن کریم

واژه «آزادی» در لغت به معنای حریت و خلاف بندگی آمده است (دهخدا، ۱۳۴۶، ذیل واژه آزادی). این واژه‌ی نوظهور در سده‌های اخیر، از قرن‌ها قبل در اسلام مطرح شده و از جوانب مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. آن زمان که فرهنگ غالب در جامعه بشری به بردگی و بندگی گرفتن جان، روح و جسم انسان‌ها بود؛ انبیاء یک به یک آمدند و ندای آزادی سر دادند و برای نجات بشر از بندها و زنجیرهای روح و جسمش کوشیدند.

خداوند انسان را آزاد آفریده تا با استفاده از قوه‌ی اختیار بتواند راه کمال خود را طی کند. در آیات متعددی از قرآن، اسارت و بندگی گرفتن جان، روح و افکار انسان‌ها رد شده است. زمانی آزادی محقق می‌شود که انسان در راه تکامل و رشد استعدادهای طبیعی خود مانعی نداشته باشد و بتواند بی هیچ قید و شرطی در راه کمال قدم بگذارد. (مطهری، بی تا، ص ۳۱۷-۳۱۳)

در حالی مدیر مسئول نشریه هتاک فرانسوی ادعا کرده است: «اگر از آزادی بیان حمایت نکنیم، برده هستیم» (پایگاه خبری شفقنا به

نشانی- <https://fa.shafaqna.com/news-1009447>) که اسلام چهارده قرن پیش به این مسأله پرداخته است و فرموده: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران/۶۴) در این آیه خداوند به صراحت از پیامبر خواسته است تا پس از دعوت اهل کتاب به پرستش خدا از آن‌ها بخواهد که بیایند تا هیچ کدام از ما دیگری را بنده و برده خویش نداند و هیچ کس هم یک نفر را ارباب و آقای خودش نداند. (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۱۸) مرحوم طبرسی می‌گوید در معنای عبارت قرآنی ﴿وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ اختلاف شده است و یکی از احتمالات مطرح شده را با استناد به آیه ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (توبه/۳۱) چنین دانسته است که احبار را ارباب خود قرار ندهیم و همچون ارباب از آنها پیروی نکنیم. همچنین روایتی از امام ششم نقل شده که می‌فرماید: «آنها احبار خود را نمی‌پرستیدند، ولی احبار هر چه را می‌خواستند برای آنها حلال می‌کردند و هر چه را مایل بودند حرام می‌نمودند و قبول همین عمل از احبار، پذیرفتن آنها به عنوان ارباب بود». و روایتی آمده است که وقتی آیه نازل شد، عدی بن حاتم گفت: «یا رسول الله ما آنها را نمی‌پرستیدیم». حضرت فرمود: «آیا ایشان به دل خواه خود حرام و حلال درست نمی‌کردند و شما هر چه می‌کردند نمی‌پذیرفتید؟!». گفت: «چرا یا رسول الله». حضرت فرمود: «ارباب به همین معنی است» (طبرسی، ۱۳۵۹، ج ۴، ص ۱۰۸) پس هرگونه اطاعت محض از هم‌نوع و یا اجبار افراد به انجام کارهایی برخلاف میل و فکر خودشان به بردگی و بندگی کشاندن انسان‌ها است و این از دیدگاه اسلام مردود است.

علامه طباطبایی در کتاب تفسیر المیزان، ذیل تفسیر این آیه بیان می‌کند که یک انسان حق ندارد اراده و خواست خود را بر انسانی دیگر تحمیل کند، مگر آن که خودش هم حاضر شود همان مقدار اراده و خواست را از جانب دیگران تحمل کند که آن دیگر بردگی نیست، بلکه به معنای تعاون در به دست آوردن مزایای حیات است. از دیدگاه علامه، خاضع شدن یک یا چند نفر در برابر دیگری و تسلط وی بر ایشان به‌طوری که خواست خود را بر ایشان تحمیل نموده و با تسلط و استکبار به آنان تحکم کند، در حقیقت بطلان فطرت و انهدام انسانیت است (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۹۴).

خداوند در پذیرش دین نیز به انسان‌ها آزادی و اختیار داده است: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۲۵۶) و در واقع، عقیده قلبی مقوله‌ای نیست که بتوان با اجبار و تزویر آن را به دیگری تحمیل کرد: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان/۳). علامه، هدایت در این آیه را به معنای ارائه طریق دانسته و معنای رساندن به مطلوب را ناصحیح می‌داند (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۲۰، ص ۱۹۶).

انتخاب راه جز با تحقیق و بررسی افکار و عقاید مختلف، شنیدن و آگاهی از آنها و آزادی در بیان افکار و عقاید میسر نخواهد بود. کمتر از صد سال پیش در قرن بیستم، مدعیان تمدن و حقوق بشر در ماده‌ی نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر ثبت کرده‌اند که هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون نگرانی از مداخله [و مزاحمت] و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات

باید حق آزادی بیان به افراد مختلف داده شده باشد تا اقوال مختلفی موجود شود و اگر تمام عقاید و افکار مخالف را سرکوب کرده و حق بیان را از آن‌ها سلب کنیم، دیگر اقوال و سخنان مختلفی وجود ندارد که بتوان با گوش فرادادن به آنها به پیروی از احسنشان برسیم.

اما نهایت این آزادی کجاست؟ آیا آزادی با تعیین حد و مرز نقض می‌شود؟ آیا می‌توان به بهانه‌ی حصول آزادی، هر سخن و هر توهینی را نثار دیگران کرد؟ انسان زیاده خواه است و بدین ترتیب، در هیچ یک از قوانین جوامع بشری به او آزادی مطلق نداده‌اند؛ آزادی بدون قید و شرط را نه عقل می‌پذیرد و نه دین. از این رو، برای شکل‌دهی صحیح به مقوله‌ی آزادی به وضع قوانین پرداختند تا مانع هرج و مرج و فساد شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۹؛ سید باقری، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

از آن‌جا که دین مبین اسلام دینی جامع و فراتر از هر قانون مصوب بشری است، احکام و دستوراتش را با در نظر داشتن تمام جوانب مصالح بشری بیان می‌کند و ضمن تأیید آزادی بیان برای افراد، یادآور می‌شود که این آزادی نباید سبب آزار دیگران و سلب آزادی شود. خداوند متعال در این باره فرمود: ﴿لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا﴾ (نسا/۱۴۸) بدین مفهوم که خداوند دوست نمی‌دارد که انسان‌ها از یکدیگر بدگویی کرده و یا عیوب و اعمال زشت اشخاص با سخن بر ملا شود (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۴، ص ۱۸۳). و افزون بر آن سفارش کرده که بت‌ها و معبودهای مشرکان را دشنام ندهید: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (انعام/۱۰۸) علامه طباطبائی این آیه را نشان‌دهنده‌ی یکی از ادب‌های دینی می‌داند که رعایت آن، احترام مقدسات جامعه دینی را محفوظ نگه می‌دارد و با توجه به عموم تعلیل در عبارت ﴿كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ﴾ نهی از هر کلام زشتی نسبت به مقدسات دینی قابل برداشت است (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۴۲۲). بنابراین، خداوند در مقابله با دشمنان حتی اجازه توهین به مقدسات و خدایان دروغین سنگی یا چوبی آن‌ها نداده است؛ حال چطور بشر مدعی تمدن به خود اجازه می‌دهد تا با اهانت به مقدسات مذاهب مختلف، روشنفکری دروغین و آزادی‌خواهی بی‌قید، باور و اعتقاد خود را بر دیگر انسان‌ها تحمیل کند.

اسلام در بیان حد و مرز آزادی به این نکات بسنده نکرده و قوانین و دستورات بسیار دیگری را در قرآن آورده است که همه در راستای حفظ منافع بشری و رشد و تکامل انسان هستند. هرچند که بشر به ظاهر متمدن امروز، با نادیده گرفتن این ظرایف و به بهانه‌ی آزادی، به نقض حقوق سایر انسان‌ها می‌پردازد.

نتیجه

خداوند همه‌ی انسان‌ها را آزاد آفریده است و به آنها اختیار داده تا در انتخاب راه خود و هر آنچه که نیازمند رسیدن آنان به کمال است، مختار باشند. اگر جوامع انسانی در کمتر از ۱۰۰ سال اخیر به وضع قوانین حقوق بشری و آزادی در عرصه‌های مختلف پرداخته‌اند؛ اسلام از ۱۴ قرن پیش و از همان روزهای نخست، ندای آزادی خواهی سر داده و با برده داری و به بندگی گرفتن انسان‌ها به مخالفت پرداخته است و آزادی را حق بشر می‌داند. این آزادی در تمامی ابعاد زندگی اعم از انتخاب دین، بیان افکار

و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است. (سایت سازمان ملل به نشانی <https://www.un.org/en/universal-declaration-human-rights/index.html>) و بزرگترین آرزو و آرمان بشر را به وجود آمدن جهانی آزاد با آزادی بیان عقیده دانسته‌اند (مطهری، بی تا، ص ۳۲۱). در حالی که بیش از هزار و چهارصد سال پیش، این امر در کتاب آسمانی قرآن آمده است: ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (توبه/۶) خداوند متعال به پیامبر دستور می‌دهد که اگر یکی از مشرکانی که دستور جنگ با آنها را به تو دادیم از تو امان خواستند تا دعوت تو و چگونگی استدلال به قرآن را بشنوند، باید به او مهلت دهید تا در کمال امنیت سخن خدا را بشنود و در آن بیندیشد. اگر حاضر به پذیرش اسلام نشد، نه تنها اجازه کشتن او را نداری بلکه باید او را به سرزمین خودش که در آن جا مصونیت جانی و مالی دارد برسانید (طبرسی، ۱۳۵۹، ج ۱۱، ص ۲۱) و این کمال عنایت بر باز بودن مسیر هدایت بر مردم را می‌رساند که اسلام، خواهان حریت مردم در زندگی و کارهای حیاتی آنان است (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۲۰۷)

به حقیقت، اگر اجازه آزادی بیان و عقیده وجود نداشته باشد هیچ گاه راه برای حل مسایل فکری باز نخواهد شد و اختیار انسان در بررسی و انتخاب راه صحیح محقق نخواهد گشت. از میان جنبه‌های مختلف آزادی، شاید بتوان آزادی بیان را کمترین حق متصور برای افراد دانست؛ اینکه فرد اجازه داشته باشد آزادانه به بیان افکار و نظرات خود بپردازد؛ بنابراین آفریدگار، بیان عقیده و شنیدن اقوال مختلف را حق بشر می‌داند و بشارت می‌دهد به کسانی که همه سخنان را شنیده و بهترین را برمی‌گزینند.

در حقیقت، خداوند متعال نه تنها دستور می‌دهد که راه برای مشتاقان حقیقت گشوده باشد تا در انتخاب راه بدون ترس، قدرت انتخاب عمل داشته باشند، بلکه بندگان را تشویق می‌کند که همگی به دنبال شنیدن سخنان مختلف باشند و با قدرت تشخیص و اختیار خود بتوانند بهترین سخن را برگزیده و آن را سرمشقا رفتار خویش قرار دهند: ﴿وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (زمر/۱۷-۱۸). این سخن تنها در صورتی محقق می‌شود که زمینه‌ی ابراز عقاید گوناگون فراهم باشد و الا انتخاب احسن معنی نخواهد داشت. عبارت ﴿يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ﴾ به معنای هرگونه قول و سخن است؛ پس اسلام برخلاف بسیاری از مذاهب -که پیروان خود را از شنیدن و کنکاش در سخنان سایرین منع می‌کنند- با اطلاع از منطق نیرومند خود و بدون ترس، انسان را به شنیدن تمام اقوال و پیروی از نیکوترین آنها تشویق می‌کند.

در حدیثی از امام موسی بن جعفر (ع) خطاب به هشام بن حکم آمده است که فرمود: «یا هشام ان الله تبارک و تعالی بشر اهل العقل و الفهم فی کتابه، فقال فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» «ای هشام، خداوند متعال اهل عقل و فهم را در کتابش بشارت داده است، و فرموده: «بندگانم را بشارت ده، آنان که سخنان را می‌شنوند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنان صاحبان عقل و اندیشه‌اند». (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷؛ مکارم، ۱۳۵۳، ج ۱۹، ص ۴۱۷) پس

و عقاید باید جاری و ساری باشد، اما آزادی یک فرد نباید موجب سلب آزادی دیگران شود. بنابراین، هیچ انسانی مجاز نیست به بهانه‌ی آزادی بیان، به هتک حرمت و آزار دیگران بپردازد.

برای قبولی کارها و در نتیجه رسیدن به اجابت‌ها می‌باشد.

منابع

قرآن کریم

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). **تفسیر موضوعی قرآن**. جامعه در قرآن. قم: نشر اسرا.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۶). **لغت نامه دهخدا**. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.

سیدباقری، سید کاظم (۱۳۹۷). **حق آزادی بیان از منظر قرآن کریم**. علوم سیاسی. دانشگاه باقرالعلوم. سال ۲۱، شماره ۸۱.

طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). **ترجمه تفسیر المیزان**. ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۹). **ترجمه تفسیر مجمع البیان**. ترجمه احمد بهشتی. تهران: فراهانی.

کلینی، محمدبن یعقوب. (بی تا). **اصول کافی**. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

مطهری، مرتضی (بی تا). **تجلی پیام**. پایگاه جامع استاد مرتضی مطهری.

مکارم شیرازی و همکاران، ناصر (۱۳۵۳). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه (شفقنا)، ۱۰۰۹۴۴۷. <https://fa.shafaqna.com/news/۱۰۰۹۴۴۷>. تاریخ انتشار خبر ۹۹/۶/۲۰



بررسی ویژگی‌های هویتی رسول اکرم (صلی الله علیه واله) به عنوان الگوی حسنه، در کلام وحی

ام البنین امیری
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز

Bahar.amiri2013@gmail.com

چکیده

اسلام مکتبی تمام عیار است؛ زیرا که بهترین پاسخ‌ها را به مسائل زندگی بشریت در هر عصری داده است. قرآن کریم به عنوان راهنمای این مکتب و رسول گرامی اسلام به عنوان الگوی عینی این مکتب می‌باشد. چنانچه قرآن تصریح دارد که باید برای رسیدن به هویت شایسته انسانی، ایشان را الگو و اسوه خویش قرار داد: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾. از آن‌جا که هویت انسان در روابط بروز و ظهور پیدا می‌کند و روابط انسان در سه محور اصلی ارتباط با خالق هستی، ارتباط با خود و ارتباط با دیگران قابل تقسیم است، لازم می‌آید برای شناخت ویژگی‌های هویتی حضرت رسول اکرم (ﷺ) آیاتی را که در بردارنده نوع ارتباط ایشان در این سه محور می‌باشد، مورد بررسی قرار گیرد. این نوشتار با مبنا قرار دادن آیات نورانی کلام وحی و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ویژگی‌های هویتی رسول اکرم (ﷺ) به عنوان الگوی حسنه پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش می‌رساند که پیامبر اکرم (ﷺ) اسوه‌ی علم، تعقل، شجاعت، قدرت، رحمت، بندگی، شرح صدر و اسوه‌ی هویت انسانی و شایسته‌ی مقام خلیفه الهی است. هر یک از این مولفه‌های شخصیتی این بزرگوار بخشی از هویت انسانی ایشان را نمایان می‌سازد.

واژگان کلیدی: پیامبر در قرآن، ویژگی‌های هویتی، اسوه حسنه.

مقدمه

۱. مفهوم شناسی واژه اسوه

لغت‌شناسان، واژه اسوه را به سرمشق و پیشوا معنی کرده‌اند (لسان‌العرب، ج ۱، ص ۱۴۷). مفسران نیز همین معنی لغوی را در بیان مفهوم واژه اسوه در نظر داشته‌اند، چنانچه علامه طباطبایی در تبیین مفهوم اسوه تصریح می‌کند که کلمه «أسوة» به معنای اقتداء و پیروی است و معنای «فِي رَسُولِ اللَّهِ» اسوه بودن و پیروی از رسول خدا (ﷺ) است و این وظیفه همیشه ثابت است و همیشه باید به آن جناب تاسی کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۸۹). از موثرترین شیوه‌های تربیتی قرآن، چهره‌پردازی و ارائه اسوه‌های حسنه است که بیانگر لزوم اقتدا به فرد اعلاء و مصداق اتم ارزش‌های الهی است. از نظر علمی نیز روش الگویی در تربیت بسیار کارساز است و می‌توان گفت هویت افراد تا حدودی، برگرفته از الگویی است که برای خویش انتخاب کرده‌اند.

سید قطب در کتاب «روش تربیت اسلامی» می‌نویسد: «علمی‌ترین و پیروزمندترین وسیله تربیت کردن، یک نمونه عملی و سرمشق زنده است. سرمشق و الگو به مردم عرضه می‌شود تا مردم همانند صفاتش را در خود تحقق بخشند و به رنگ آن نمونه درآیند. هر کس به اندازه ظرفیت و استعدادش از آن شعله فروزان پرتو بگیرد و تا آنجا که توانایی دارد برای رسیدن به قله کمال از کوه دانش و فضیلت بالا رود ... از این جهت است که اسلام سرمشق دادن را بزرگترین وسیله تربیت می‌داند و پایه روش تربیتی خود را بیش از هر چیز بر این استوار می‌سازد» (سید قطب، بی تا، ص ۲۵۱-۲۵۲). می‌توان سخن سید قطب را چنین تکمیل کرد که خداوند متعال با به تصویر کشیدن الگوهای کمال یافته و شخصیت کمالی حضرت رسول اکرم به دنبال آن است تا هویت واقعی انسان را به نمایش بگذارد و از اجتماع انسانی بخواهد با الگو قرار دادن ایشان و مشخص کردن بالاترین میزان در نمودار هویتی، این مسیر رشد هویتی را برای انسان روشن سازد.

وجود اسوه در قرآن، هویت‌های رشد یافته‌ی واقعی و عینی، علاوه بر این که مؤلفه‌های هویت انسانی را سرمشق همه بشر قرار می‌دهد؛ از طرفی بیان می‌دارد که وجود و شناخت این اسوه‌ها با هویت‌های برتر بر انسان تاثیر می‌گذارد و انسان را ترغیب می‌کند تا تلاشش را مضاعف کند و جهت پیمودن درجات هویتی گام به گام مسیر تکاملی این اسوه‌ها را دنبال کند تا به قله کمال هویت انسانی نائل آید.

واژه اسوه در قرآن کریم ۳ بار ذکر شده است، ۲ بار در آیات ۴ و ۶ سوره ممتحنه - درباره ابراهیم خلیل (علیه السلام) و همراهان او ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ﴾ (ممتحنه، ۴)، ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (ممتحنه، ۶) - و یک بار در آیه ۲۱ سوره احزاب - در مورد پیامبر اسلام (ﷺ) ﴿لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ - می‌باشد.

قرآن کریم متقن‌ترین و کامل‌ترین کتاب جهت مراجعه و شناخت ویژگی‌های هویت انسانی است. از طرفی قرآن کریم، وحی منزل الهی، داعیه‌ی رشد و تعالی انسان را دارد پس قطعاً راهکارهایی را جهت رسیدن به نقطه کمال هویت انسانی مطرح کرده است. بررسی یافته‌های پژوهشگران حوزه علوم قرآنی و مفسران کلام وحی، نشان دهنده‌ی آن است که یکی از راهکارهای خداوند متعال برای تعالی انسان و رسیدن به هویت رشد یافته‌ی انسانی، داشتن الگو و اسوه است که سرآمد این الگوها حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ﷺ) است. خداوند متعال ایشان را با عنوان اسوه یاد کرده و هویت ایشان را به تعدد تصویر کشیده است. گاه ایشان را مخاطب خاص خود قرار داده و بدین واسطه او را به مخاطبان قرآن می‌شناساند و گاه در دل داستان‌ها با بیان شیوه‌ی عملی و سبک زندگی ایشان از مؤلفه‌های هویت‌پس پرده برمی‌دارد. آنچه بیش از هر چیز انسان را ترغیب می‌کند تا به عمق ویژگی‌های هویتی ایشان پی ببرد، آن کلام خداوند است که از ایشان به نور یاد کرده است: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ﴾ (مائده/۱۵) و نتیجه وجود ایشان را هدایتگری بیان داشته است تا هر کس به دنبال روشنایی و مسیر مستقیم می‌گردد، دنبال رو ایشان باشد. چنانچه طبرسی در مجمع البیان آورده است که در این آیه منظور از «نور» حضرت محمد (ﷺ) است، زیرا مردم به برکت وجود او هدایت می‌یابند (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۷۱).

در این نوشتار ریبال پس از استخراج آیات مربوط به شخصیت مکرم پیامبر اکرم (ﷺ) مشخص شد حدود ۱۵۰۰ آیه از قرآن کریم به طور مستقیم و غیر مستقیم پیرامون ایشان است که در برابر تعداد کل آیات قرآن -۶۲۳۶- رقم چشمگیری است که خود بیانگر ارزش و بزرگی وود مبارک رسول گرامی است. قابل ذکر است که شفاف‌ترین گزارش از هویت آن مقام برجسته، در قرآن کریم منعکس شده است، پس با بررسی آن آیات می‌توان ویژگی‌های هویتی ایشان را شناخت. بررسی‌ها و یافته‌های دیگر محققان پیرامون ابعاد شخصیتی و موضوعات مرتبط به حضرت رسول اکرم (ﷺ) به تفصیل انجام شده است و در این نوشتار تلاش بر آن شده که با استناد به آیات نورانی قرآن کریم و با نگاه خاص و تمرکز بر آیات دربردارنده‌ی ویژگی‌هایی هویتی ایشان، پژوهش را تکمیل شود. با توجه به هدفی که در نوشتار حاضر دنبال می‌گردد، به مباحث زیر در این نوشتار پرداخته می‌شود:

۱- مفهوم شناسی واژه اسوه

۲- مفهوم شناسی واژه هویت

۳- بررسی آیات قرآن کریم پیرامون رسول اکرم (ﷺ)

۴- جلوه‌ی هویت پیامبر در ارتباط با خدا

۵- جلوه‌ی هویت پیامبر در ارتباط با خویش

۶- جلوه‌ی هویت پیامبر در ارتباط با دیگران

جایی که فرد می‌تواند به بالاترین قله‌های هویتی صعود کند.

پیرامون ارتباط بین هویت و اسوه باید خاطر نشان کرد که بخش مهم فرایند هویت‌یابی از منظر حوزه‌ی علوم انسانی، در حوزه تعلیم و تربیت است و معتقدند که معلم که حکم اسوه‌ی موقت را دارد، بیشترین نقش در شکل‌گیری هویت متعلم بازی می‌کند. شکل‌گیری مطلوب جریان‌های هویتی معلم، یک امر کلیدی در ایجاد وضعیت‌های پایدار هویتی در فراگیران است. میان معلمی با هویت مطلوب و معلم فاقد این کیفیت، تفاوت اساسی در مسیر هویت بخشی به فراگیران وجود دارد (شمشیری و مختار ذاکری، ۱۳۹۶، ص ۴۴-۴۵). وقتی یک آموزگار می‌تواند اینقدر موثر باشد، قطعاً الگویی که هر فرد به عنوان نقطه آرمانی خود در نظر می‌گیرد و گاه سال‌هایی از عمرش را برای رسیدن به هویت آن الگو صرف می‌کند بیش از این‌ها در فرایند هویت‌یابی موثر است.

۳. بررسی آیات قرآن کریم مرتبط با رسول اکرم (ﷺ) در قرآن

پس از بررسی آیات مربوط به شخصیت مکرم پیامبر اکرم (ﷺ) مشخص شد، حدود ۱۵۰۰ آیه از قرآن کریم به مناسبت‌های مختلف درباره پیامبر عظیم الشان اسلام است که در برابر تعداد کل آیات قرآن ۶۲۳۶-۶۲۳۶- رقم چشمگیری است (حدود ۲۴٪ از کل آیات قرآن کریم) که خود بیانگر ارزش و بزرگی ایشان است. اما آنچه از آیات نورانی قرآن کریم که در مبحث نوشتار حاضر می‌گنجد، آیاتی است که از ویژگی‌های هویتی ایشان سخن گفته است. جریان هویت‌یابی، جریان برقراری روابط و مجموعه‌ای از رویارویی‌ها است که برای فرد ایجاد می‌شود (شمشیری و مختار ذاکری، ۱۳۹۶، ص ۱۵)، بنابراین برای شناخت هویت یک فرد باید به نحوه ارتباطات او توجه کرد. همچنین آگاهی به وجود خود و پی بردن به هویت خود از خلال ارتباط در جامعه به وجود می‌آید (یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۴۴).

ارتباطات هویتی به سه بخش اصلی ارتباط با وجود برتر ماورای طبیعی (خداوند متعال)، ارتباط با خویش و ارتباط با دیگران تقسیم کرد. این سه نوع ارتباط در خلال آیات مربوط به حضرت رسول اکرم (ﷺ) مورد بازنگری قرار گرفته تا بتوان با شناخت مولفه‌های هویتی ایشان مسیر کمال انسانی را برای خویش مهندسی کرد.

۳-۱. جلوه‌ی هویت پیامبر در ارتباط با خدا

برخی از آیات قرآن کریم بیانگر نوع ارتباط حضرت رسول اکرم (ﷺ) با خداوند است که با بررسی این آیات می‌توان ۲ ویژگی اصلی و ۱۱ ویژگی فرعی به‌دست آورد. در این نوشتار جهت انسجام بیشتر مطالب، برای هر ویژگی هویتی به یکی از آیات نورانی قرآن کریم استناد می‌کنیم.

خداوند متعال گاه در آیات خویش از فرستادگان خویش با «حجّه» یاد کرده است. برای نمونه، آیه ۱۶۵ از سوره مبارکه نساء اشاره کرد: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾. در این آیه و آیات مشابه، پیامبران الهی از جمله پیامبر اکرم به عنوان حجت الهی و نمونه تام هویتی معرفی می‌شوند. در واقع، باشناخت این بزرگان هم مولفه‌های هویت انسانی مطرح شده است و هم امکان رسیدن به چنین مقام و منزلتی را اثبات کرده‌اند، زیرا که پیامبران نیز مثل سایر انسان‌ها بشر هستند: ﴿قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ تَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ (ابراهیم/۱۱). در جای دیگر نیز قرآن کریم بر تحرک آفرینی و یاس زدایی از امکان اسوه شدن، تاکید بلیغی دارد. آن‌جا که دعای مومنان راستین را بازگو می‌کند که خواهان مقام امامت متقین هستند: ﴿وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ (الفرقان: ۷۴) «و کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان ما باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.»

۲. مفهوم شناسی واژه هویت

واژه هویت در اصل، واژه‌ای عربی است. از نظر لغوی واژه هویت از ضمیر غایب «هو» اشتقاق یافته است؛ بر اساس تعاریف کتب لغت و معجم‌های عربی ذیل واژه هویت، می‌توان نتیجه گرفت که هویت برگرفته از اوصاف و ویژگی‌هایی است که آن شیء به‌وسیله‌ی آن اوصاف و ویژگی‌ها از دیگری متمایز می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۳۱۳؛ أبی البقاء الکفوی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۹۶). در لغت‌نامه دهخدا نیز به همان معنی است (دهخدا، ۱۳۴۴)، ذیل واژه‌ی هُوِيَّةٌ قابل ذکر است که معنای اصطلاحی هویت در عصر حاضر با معنای لغوی آن مطابقت دارد.

اما باید توجه داشت که هویت در قرآن، واژه نیست بلکه یک فرآیند است. لذا هویت را نمی‌توان در قالب یک یا دو کلمه تعریف کرد. هویت در قرآن بحثی بسیار پیچیده به نظر می‌رسد. زمانی که بخواهیم هویت را در قرآن معرفی نماییم با مباحث و مسائل متعددی روبه‌رو می‌شویم که هر یک به گوشه‌ای از ابعاد گسترده هویت اشاره دارند. بدین معنا که واژه‌ای در قرآن کریم برابر دقیق با معنای هویت نیست که تمام زوایای مفهوم هویت را دربر بگیرد؛ بلکه برخی عبارات و واژه‌ها بیانگر زمینه‌های هویت هستند، که در واقع حکم زیر بنا و شالوده را برای ساخت و تشکیل هویت دارند و برخی واژه‌ها و عبارات، مؤلفه‌ها، ابعاد هویت و ویژگی‌های هویتی را به تصویر می‌کشند. از میان زمینه‌های (فطرت، وراثت، محیط)، فطرت بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند و از بین مولفه‌های هویت (اراده و اختیار، نیت و انگیزه، تعقل و...) مولفه‌ی اراده و اختیار بروز و ظهور بیشتری دارد. بهره‌گیری از فطرت و اراده، ویژگی‌های هویتی مطلوبی را برای انسان به ارمغان می‌آورد تا

ویژگی اصلی	ویژگی فرعی	متن آیه	مفاهیم و برداشتها
ولایت پذیری	توحید	﴿قُلْ أَتَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَ لَا يَضُرُّنَا وَ نَرُدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ (انعام/۷۱)	این آیه با کاربرد استفهام انکاری، بر مشرکان احتجاج می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۱۴۴). در واقع این آیه اثبات می‌کند که پیامبر اکرم (ﷺ) توحید را تقلید نمی‌کند بلکه آن را با دلیل و منطق پذیرفته است. ایشان برای درک توحید از زمینه هویتی تعقل و اراده، بهره گرفته و توانسته است زمینه فطری خداباوری را تقویت کرده و به درک صحیحی از توحید و یگانه پرستی برسد. انسان به طور کلی به خاطر یکی از دو جهت خیر و ترس از شر، معبود می‌گیرد. حال چه آن معبود حق باشد و چه باطل. حال اگر در معبودی نه امید خیری و نه مانعی از شر باشد، پس چرا انسان در مقابلش خاضع شده و آن را می‌پرستد؟ (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۱۴۴).
	تنزیه	﴿قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ اتَّخَذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ يُطْعَمُ وَ لَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (انعام/۱۴)	برای پاک‌ی و طهارت از شرک‌گرایی نیز استفاده از زمینه هویتی تعقل ضروری است. با نگرش در نعمات الهی همچون وجود آسمان پر برکت، زمین به ظاهر مسطح و طعام‌های رنگارنگ و... هر عقل سلیمی وجود خداوند را تصدیق می‌کند. پیامبر اکرم با یادآوری این برهان‌های روشن و بدیهی، توحید و تنزیه را به مخاطبانش گوشزد می‌کند تا بهانه‌ای باشد برای تحریک قدرت تفکشان. خداوند متعال در این آیه از رسول گرامی می‌خواهد که مخاطبانش را به اتخاذ معبود از راه عقل دعوت کند.
	ربوبیت الهی	﴿قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ﴾ (انعام/۱۹)	این آیه احتجاجی پیامبر با مشرکان در مورد ربوبیت الهی است. اصل توحید از جمله مسائلی است که عقل از طرق مختلفی به آن راه دارد، اما صرف این راه باعث نمی‌شود که بتوان آن را از طریق وحی صریح قطعی هم اثبات نمود. غرض از برهان عقلی، تحصیل یقین است از این رو، وقتی غرض از آن تحصیل یقین به وحدانیت خدا باشد و بر حسب فرض، وحی الهی هم قطعی و غیر قابل تردید باشد، چه مانعی دارد که همان وحی برهان بر وحدانیت خدا قرار گیرد. آن هم وحی قرآنی که متکی بر تحدی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۸).
	پیوند عاطفی	﴿أَقِيمُوا وَجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ (اعراف/۲۹)	مرحوم طبرسی، مراد از ﴿وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ را امر به دعا و تضرع خالصانه پس از نماز می‌داند. تضرع و ارتباطی که از پیوند عاطفی حکایت دارد. هر چه پیوند عاطفی انسان با خالق هستی بیشتر باشد، بیشتر رنگ خدایی به خود می‌گیرد ﴿هَبْنَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ (بقره/۱۳۸).
عبودیت	تسلیم	﴿أَمِرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (انعام/۷۱)	پیامبر اکرم تسلیم محض فرمایش‌های الهی و از روی اختیار و انتخاب بوده است.
	اخلاص	﴿هُوَ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ وَ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ﴾ (بقره/۱۳۹)	انگیزه و هدف از انجام افعال از جمله مولفه‌های هویت است. رسول گرامی اسلام بیان می‌دارد که تمام اعمال و افعال خویش را برای پروردگار عالمیان خالص کرده است و هدف خویش را رضایت الهی دانسته و مسیر گفتار و افعالش بدان‌جا ختم می‌شود.
	تقوا	﴿وَ أَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّقَوْهُ﴾ (انعام/۷۲)	در این آیه با ذکر عبارت ﴿وَ اتَّقَوْهُ﴾ تمامی عبادات و اعمال متخوم به بندگی مورد نظر است.
	قرب	﴿وَ هُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَى، ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾ (نجم/۷-۹)	ماده «دنو» مصدر فعل «دنی» به معنای نزدیکی است (لسان‌العرب، سال؟؟، ج ۱۴، ص ۲۷۱) و کلمه «تدلی» به معنای بسته شدن و آویزان گشتن به چیزی است، ولی برای کنایه از شدت نزدیکی کاربرد دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۸). در بحث هویت انسانی، میزان نزدیکی و عدم نزدیکی به خداوند متعال ملاکی اساسی است.
	شکر	﴿إِنَّا أَعْمَلْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَضَّلْنَا لِرَبِّكَ وَ أَنْحَرْنَا﴾ (کوثر/۱-۲)	سنت شکر‌گذاری، در رفعت و ارتقا هویتی انسان موثر است و می‌بایست در برابر نعمات الهی شکر‌گزار بود. و این سیره منطقی و عقلی است که شرع نیز برآن صحه گذاشته است.
	استغفار	﴿وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ (مومنون/۱۱۸)	از آیات قرآن برمی‌آید که حضرت رسول اکرم همیشه از درگاه الهی طلب استغفار و بخشش می‌کردند؛ هم برای خود و هم برای مومنان. ایشان حتی برای منافقان هم طلب بخشش و استغفار می‌کردند.
	خوف	﴿وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَ خَيْفَةً﴾ (اعراف/۲۰۵)	خوف از خداوند متعال نیز از ویژگی‌های هویتی است و این ترس، موجب کمال است. در این آیه خداوند متعال از پیامبر به عنوان مخاطب اول قرآن و همه مخاطبان - در تمامی عصرها - می‌خواهد که خوف از خدا داشته باشند. خوف از خدا درجه‌ای از درجات بندگی است که موجب دوری انسان از گفتار و کردار ناشایست می‌گردد.

محسوب می‌شود، تا به شناخت خداوند رسد. همچنین باید در راستای احکام و دستورات خداوند، تقوای الهی را چهارچوب خویش قرار داده و در مسیر اطاعت از ذات لایتناهی تسلیم بوده و اخلاص را سرلوحه کارهای خویش قرار دهد. این مهم جز با تقویت اراده و ممارست ایجاد نمی‌شود.

قابل ذکر است که وجود ویژگی ولایت پذیری و بندگی از ویژگی‌های هویتی حضرت محمد (ﷺ) محسوب می‌شود که شایستگی دریافت کلام وحی را به ارمغان می‌آورد: ﴿فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِ مَا أَوْحَىٰ﴾. هر انسانی موظف است از فطرت خویش که از مهم‌ترین زمینه‌های هویتی

ویژگی اصلی	ویژگی فرعی	متن آیه	مفاهیم و برداشتها
ف	فصاحت و بلاغت	﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَ عَظَّمَهُمْ وَ قُلُ لَّهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾ (نساء/ ۶۳)	پیامبر اکرم زبان حال مخاطبان خویش را خوب می‌شناخت و با هر فرد و گروهی مطابق حال او و در نهایت فصاحت و بلاغت سخن می‌گفت و این هنری است ارزنده برای هر انسانی.
	بصیرت	﴿ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعْتِي﴾ (یوسف/ ۱۰۸)	پیامبر گرامی اسلام جهت روشنگری مخاطبان قرآن، بیان می‌دارد که من این راه را بی‌اطلاع یا از روی تقلید نمی‌پیمایم، بلکه از روی آگاهی و بصیرت انتخاب کرده‌ام و همه شما را به سوی این طریقه می‌خوانم. طبرسی از ابن انباری چنین آورده است که ممکن است اینگونه بگوئیم کلام در جمله «ادْعُوا إِلَى اللَّهِ» تمام شده و «عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعْتِي» جمله جداگانه و ابتدای کلام دیگری است (یعنی بسوی خدا دعوت می‌کنم- سپس فرمود: من و هر که پیرویم می‌کند بر بنیادی و بصیرت هستیم). و همین معنای گفتار ابن عباس است که اصحاب محمد در بهترین طریقه و روش هستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۱۱). از این سخنان بر می‌آید که افرادی که پیامبر را به عنوان الگوی هویتی خویش برمی‌گزینند، هویتی نزدیک به هویت او و در راستای هویت کمال یافته‌ی او می‌یابند. دلیل معرفی حضرت رسول (ﷺ) به عنوان اسوه از جانب خداوند متعال نیز برگرفته از همین نکته است.
	راسخ علم	﴿وَ الرَّاٰسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (آل-عمران/ ۷)	پیامبر بزرگوار اسلام از جایگاه علمی بالایی برخوردار بود، چنانچه قرآن هم او را راسخ در علم دانسته و بیان می‌دارد که ایشان تاویل قرآن را می‌داند و از طرفی ایشان را مفسر و تبیین کننده قرآن قرار داده (نحل/ ۴۴) و از طرف دیگر حاکمیت بین مردم را از ایشان خواسته است (مائده/ ۴۲) که این خود بیانگر جایگاه ویژه‌ی علمی ایشان است.
رشد	﴿قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا﴾ (کهف/ ۲۴)	رشد یافتن، همواره از دغدغه‌های پیامبر بوده است که به سبب آن دست به دعا برداشته و از حی لایزل تقاضای رشد کرده‌اند. اما نکته اصلی آنجاست که وقتی انسان به چیزی رغبت داشته باشد و از دغدغه‌هایش گردد قطعاً تلاشش برای دست یافتن آن دو چندان می‌شود. قابل ذکر است که از جمله موضوعات رشد، رشد علمی است (طه/ ۱۱۴).	
ب	درایت	﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَ فُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَّكِرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ حِنَّةٍ﴾ (سبا/ ۴۶)	حضرت رسول اکرم از مخاطبانش می‌خواهد که اگر کاری مخالف عقل و تعقل در طول عمر مبارک ایشان دیده‌اند یا گفتار و رفتاری را بدون دلیل عقلی از ایشان سراغ دارند، بیان کنند. در غیر این صورت رسالت ایشان را پذیرفته و در این راه ثابت قدم باشند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۱۹). این آیه می‌رساند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و واله) در میان قومش به عقل و درایت شهره بوده‌اند چنانچه تاریخ نیز گویای همین مطلب است.

<p>این آیه بیانگر سخن حضرت ابراهیم است که از خداوند تقاضا کرد که از ذریه او امت مسلمانی قرار بدهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۹۵). در این آیه مراد حضرت ختمی مرتبت است که از حکمت برخوردار بوده و از آن برای هدایت مردم بهره برده است. قابل ذکر است که حکمت آمیز بودن سخن پیامبر و افزای حکمت از جانب خدا به ایشان، به علت شایستگی خود پیامبر بوده که این مطلب از سایر آیات به دست می‌آید. یکی از ثمرات بهره‌مندی از ویژگی هویتی حکمت، مصونیت آن حضرت از کید دشمنان برای گمراه ساختن ایشان بوده است.</p>	<p>﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (بقره/۱۲۹)</p>	<p>حکمت</p>	<p>تعقل</p>
<p>این آیه بیانگر قدرت مدیریت حضرت در جنگ است. (پیامبر اکرم (ﷺ) با وجود پیشنهاد صحابه به جنگ در شهر، اما ایشان پیشنهاد داد که بیرون از شهر با دشمن قتال کنند. از این رو صحابه‌ها از مدینه از میان بستگان و اهل خود بیرون آمد تا برای مؤمنان پایگاه‌هایی برای نبرد با دشمن آماده سازد).</p>	<p>﴿وَإِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران/ ۱۲۱)</p>	<p>مدیریت</p>	
<p>پیامبر اکرم جهت هدایت مردم، خود را در قبال دشمنان سرکش نیز مسئول می‌دانست و برای روشن کردن نقاط کور هویتی مخاطبانش با تمام وجودش تلاش می‌کرد. چنانچه در تفسیر اثنی عشری در تفسیر ﴿فَقَتُلْ عَنْهُمْ﴾ آمده است: «پس روی برگردان از ایشان». (منبع؟؟؟) مراد آن است که چون مکرر اظهار دعوت کردی و ایشان به جهت عناد و انکار امتناع نمودند، پس از مجازات آنها اعراض نما تا وقتی که مأمور شوی به قتال. ﴿فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ﴾ «پس تو ملامت شده در پیشگاه الهی نیستی، زیرا که اعراض بعد از تکرار ابلاغ و دعوت و اتمام حجت بوده است».</p>	<p>﴿أَتُواصُوا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ فَقَتُلْ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ﴾ (ذاریات/ ۵۳- ۵۴)</p>	<p>مسئولیت پذیری</p>	
<p>رد معبودهای کافران همواره سبک زندگی حضرت بوده است.</p>	<p>﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ (کافرون/ ۱- ۲)</p>	<p>کفر ستیزی</p>	<p>شجاعت</p>
<p>این آیه بیانگر عدم سلطه پذیری پیامبر است که نتیجه‌اش، ثبات قدم و پایداری است. پیامبر خطاب به مشرکین می‌فرماید که تمامی قدرت خود را به کار گیرند اما پیامبر هم‌چنان بردین خود پایدار می‌ماند.</p>	<p>﴿قُلْ لِلدِّينِ لَا يُؤْمِنُونَ اَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾ (هود/ ۱۲۱- ۱۲۲)</p>	<p>سلطه‌ناپذیری</p>	
<p>پیامبر خود را از گرایش به عقاید کفار مصون ساخته بود و با کافران برخوردی به دور از مسامحه و گذشت داشت.</p>	<p>﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاعْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكُفْرِ فَوَلِّهُهُمُ الْخَلْفَ مِنْ بَيْنِ الْمَصْبُورِ﴾ (توبه/ ۷۳)</p>	<p>قاطعیت</p>	
<p>پیامبر خود را ملزم به پیروی از آرای اکثریت نمی‌دانست و این خود بیانگر آن است که پیامبر این‌گونه بوده است. عقل نیز بر استقلال رای و عدم تبعیت از اکثریت حکم می‌کند. در این آیه، پیامبر مخاطب کلام وحی است، اما مراد امت و همه مخاطبان قرآن در تمام عصرها و نسل‌هاست.</p>	<p>﴿وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾ (انعام/ ۱۱۶)</p>	<p>استقلال رای</p>	<p>قدرت</p>
<p>در این آیه ضمن بیان سازش‌ناپذیری پیامبر، از کسانی که قصد دارند پیرو ایشان باشند می‌خواهد که برای رسیدن به هویت مطلوب، استقامت به خرج دهند. استقامت در راه تبلیغ و ارشاد، استقامت در طریق مبارزه و پیکار استقامت در انجام وظائف الهی و پیاده کردن تعلیمات قرآن (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۸۲)</p>	<p>﴿فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ (هود/ ۱۱۲)</p>	<p>استقامت</p>	

۲-۲. جلوه‌ی هویت پیامبر در ارتباط با خویش

به انسان ارزانی داشته، استفاده کند تا هر روز بر رشد هویت انسانی خود بیفزاید.

۳-۳. جلوه‌ی هویت پیامبر در ارتباط با دیگران

آیات نورانی قرآن کریم به گونه‌ای نحوه ارتباط پیامبر اکرم با خویشاوندان و مخاطبانش را به تصویر کشیده است که به وضوح هویت مطلوب و کمال یافته ایشان را نمودار می‌سازد. ویژگی‌های هویتی در این بخش به ۵ ویژگی اصلی و ۱۴ ویژگی زیرشاخه می‌توان تقسیم کرد.

بخشی از آیات قرآن کریم در بردارنده ارتباط پیامبر اکرم با خود درونی و متعلقات فردی است. با در نظر گرفتن این آیات می‌توان ۴ ویژگی اصلی و ۱۳ ویژگی فرعی برای هویت حضرت رسول مطرح کرد.

پیامبر اکرم نمونه انسان عالم، عاقل، شجاع و با قدرت است که همه این ویژگی‌ها را با اراده خویش کسب کرده است و نتیجه‌اش ترسیم سبک و سیره خاص برای زندگی است. لازم است در گام دوم، انسان بکوشد از ظرفیت عقل، اراده، تعقل و سایر نعمت‌هایی که خداوند متعال

ویژگی اصلی	ویژگی فرعی	متن آیه	مفاهیم و برداشتها
شرح صدر	حسن خلق	﴿فَإِمَّا رَحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَاوًّا كُنْتُمْ فَطَأَّ غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران/۱۵۹)	انسان به تناسب هویت رشد یافته، از اخلاقی پسندیده‌تر برخوردار است و به تناسب اخلاق نیک، از دوستان و همشینیان بیشتری بهره می‌برد. خداوند متعال در این آیه به این نکته اشاره کرده است که پیامبر اکرم دارای حسن خلق بوده و همین ویژگی موجب جلب توجه دیگران به سوی او گشته است.
	عفو	﴿وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ﴾ (مائده/۱۳)	عفو و گذشت نیز از ویژگی‌های پسندیده‌ی هویتی است که البته کسانی به این درجه از هویت می‌رسند که ممارست در این امر داشته باشند.
	صبر	﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعُرْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ﴾ (احقاف/۳۵)	ویژگی صبر از مولفه‌های لازم جهت رسیدن به هدف است و پیامبر اکرم (ﷺ) در این ویژگی نیز سرآمد صابران است.
	تواضع	﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ﴾ (انعام/۵۴)	پیامبر اسلام در عین حالی که برگزیده الهی و پیامبر مومنان بود؛ لکن همیشه در برابر دیگران تواضع به خرج می‌دادند تا جایی که از دیگران در تحیت و سلام کردن پیشی می‌گرفتند.
	سخن نیک	﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل/۱۲۵)	در این آیه خداوند متعال یادآور می‌شود که سخن نیک و جدال احسن از ویژگی‌ها و خصوصیت هویتی حضرت رسول در دعوت به توحید و صراط مستقیم بوده است.
	دلسوزی	﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (توبه/۱۲۸)	رسول گرامی اسلام شخصیتی دلسوز داشتند به طوری که غم دیگران بر ایشان سنگین بود و از طرفی دیگر، بر هدایت و ابلاغ راه تکامل مصمم بود. آری، انسان کمال یافته آنچه را برای خود می‌پسندد برای دیگری نیز می‌پسندد.

<p style="writing-mode: vertical-rl; text-orientation: mixed; font-weight: bold;">خبر خواهی</p>	<p>اطعام</p>	<p>﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاءَهُ وَ لَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَبِرُوا وَ لَا مُسْتَأْسِنِينَ لِحَدِيثٍ﴾ (احزاب/۵۳)</p>	<p>از نمونه های اطعام توسط پیامبر، ولیمه ازدواج ایشان با زینب است. اطعام کردن و یاد فقرا بودن از دیگر جلوه‌های هویتی ایشان است.</p>
	<p>هدایت گری</p>	<p>﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (مانده/۱۵)</p>	<p>پیامبر نه تنها خود هدایت یافته بود، بلکه مشعلی جاودان و فروزان برای هدایت بشر است.</p>
	<p>انفاق</p>	<p>﴿وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ﴾ (اسراء/۲۶)</p>	<p>پیامبر گرامی اسلام همواره در مدد رسانی به مسکینان و در راه ماندگان، گوی سبقت را از دیگران ربوده بود.</p>
<p style="writing-mode: vertical-rl; text-orientation: mixed; font-weight: bold;">اعتدال</p>	<p>میانه روی</p>	<p>﴿خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (اعراف/۱۹۹)</p>	<p>در ابتدای این آیه خداوند متعال، اغماض و ندیده گرفتن بدی‌هایی دیگران را مطرح می‌کند و در ادامه از پیامبر می‌خواهد که دیگران را به کارهای خیر و خصلت‌های پسندیده امر کند و در انتهای آیه، جمله‌ای متفاوت با اول آیه مطرح می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۳۷۹) و از پیامبر می‌خواهد که از کارهای نادانان که مایه اندوهش است، روی برگرداند. در واقع، از طرفی سخت‌گیری نکردن (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۳۷) و از طرف دیگر، روی‌گردانی جهت تادیب جاهلان است (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۱۰۷). بدین ترتیب، میانه روی را به عنوان یکی از اصول سبک زندگی مطرح کرده است.</p>
	<p>امر به معروف و نهی از منکر</p>	<p>﴿يَا مَعْزُومُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (اعراف/۱۵۷)</p>	<p>از جمله ویژگی‌های پیامبر اکرم (ﷺ)، تشویق و ترغیب دیگران به انجام کارهای شایسته و نهی ایشان از گفتار و رفتار ناشایست بوده است. ایشان بر این امر آن‌چنان اهتمام داشتند که در تورات و انجیل با این خصوصیت یاد شده‌اند.</p>
	<p>راست گویی</p>	<p>﴿وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا﴾ (احزاب/۲۲)</p>	<p>آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که گواه بر صداقت حضرت رسول گرامی اسلام است؛ گاه از خداوند (نجم/۱-۴)، گاه از زبان مومنان (احزاب/۲۲) و گاه از تصدیق اهل ارتداد بر صداقت ایشان (آل عمران/ ۸۶). این خود بیانگر ثبات ایشان در این ویژگی هویتی است.</p>
<p style="writing-mode: vertical-rl; text-orientation: mixed; font-weight: bold;">عدالت</p>	<p>امانت داری</p>	<p>﴿وَ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُغْلَ﴾ (آل عمران/ ۱۶۱)</p>	<p>از نمونه‌های امانت‌داری پیامبر، می‌توان به جمع غنایم در جنگ‌ها و نحوه‌ی تقسیم آن‌ها اشاره کرد.</p>
	<p>درایت</p>	<p>﴿وَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكَمْ بَيْنَهُمْ إِذَا قَرِيبٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ وَ أَنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُدْعِينَ﴾ (نور/ ۴۸-۴۹)</p>	<p>منافقان به جهت ترس از برقراری عدالت پیامبر، از حاکمیت و قضاوت اعراض می‌کردند. در واقع، آنها چون می‌دانند پیامبر (ﷺ) چیزی از حق دیگران به آنها نخواهد داد، از این رو تسلیم دآوری او نمی‌شدند (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۳۰۶).</p>

ما به عنوان یک مسلمان برای رهایی از این اختلاف و تشدد و رهایی از بحران هویتی می‌بایست به قرآن مراجعه کنیم تا راهکار قرآن را برای یافتن هویت انسانی بیاموزیم. خداوند متعال در قرآن کریم پیروی از الگو و اسوه را پیشنهاد می‌دهد تا انسان با پیروی کردن از سبک زندگی الگو بتواند هویتی شبیه به آن پیدا کند. سرآمد الگوهایی که خداوند متعال از آنها در قرآن یاد کرده است، حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ﷺ) است: ﴿لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ و این آیه دلیل اعتبار و حجیت همه افعال آن حضرت است. پس از بررسی آیات مرتبط با حضرت رسول، بدان نتیجه رسیدیم که ایشان همه ویژگی‌های هویتی انسانی را کسب کرده و در درون خویش تقویت کرده و رشد داده است تا جایی که ایشان اسوه‌ی علم، اسوه تعقل، استقامت، عدالت، شجاعت و بندگی است.

پیامبر اسلام در ارتباط با دیگران از چنان کرامت طبعی برخوردار بود که خداوند متعال با لفظ ﴿خُلِقَ عَظِيمٌ﴾ از او یاد می‌کند: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم/۴) و همین موجب گرایش مردم به آن جناب شده بود: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران/۱۵۹). فردی که از هویت انسانی بهره‌مند شده است، مولفه‌های هویت انسانی در ارتباط با دیگران نیز بروز پیدا می‌کند؛ زیرا که چنین فردی هر آنچه را که برای خود می‌پسندد برای دیگران نیز می‌پسندد. چنان‌چه رفتار عادلانه، مهربانی، صبر، رازداری، انفاق و اطعام به نیازمندان مورد پسند اوست، با دیگران نیز همانگونه رفتار می‌کند.

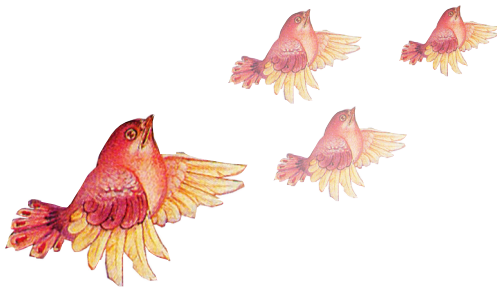
نتیجه

در عصر حاضر که هر گروهی به دنبال جذب دیگران است، اما

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). **لسان العرب**، لبنان: داراحیاء.
- ابوالبقا کفوی، ایوب بن موسی (۱۴۱۲). **الکلیات معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویه**، تحقیق عدنان درویش و محمد مصری، بیروت: مؤسسه‌الرسال.
- امیری، ام‌البنین (۱۳۹۸). **تأثیر متقابل هویت فرد و هویت اجتماع بر یکدیگر از منظر قرآن کریم**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- بابایی، احمدعلی (۱۳۸۲). **برگزیده تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۴). **لغت نامه دهخدا**، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- سید قطب. (۱۴۱۹ق). **فی ظلال القرآن**، بیروت: دارالشرق.
- شمشیری، بابک، ذاکری، مختار (۱۳۹۶). **هویت و تعلیم و تربیت از نظریه تا عمل**. انتشارات دانشگاه شیراز: مرکز نشر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسه‌الأعلی للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). **المیزان فی تفسیر قرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). **تفسیر جوامع الجامع**، تهران: دانشگاه تهران.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی علوم القرآن**، تهران: ناصرخسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). **تفسیر جامع**، بیروت: دارالمعرفه.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- یوسفی، فرزانه و نوشیروان خضری مقدم (۱۳۹۵). **هویت فردی و اجتماعی و عوامل موثر در بهسازی خود**، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم.
- ترجمه قرآن مورد استفاده با آدرس کامل**



مصاحبه

مصاحبه با خانم دکتر کاراندیش



مقام خلافت الهی. پیامبر خلیفه تام بالفعل خدا هستند. بقیه انسان‌ها برای رسیدن به خلافت الهی آفریده شده‌اند. ولی خلیفه بالقوه‌اند و البته در صورت طی کردن مسیر کمال، به قدر استعدادشان به این مقام دست می‌یابند.

تفاوت و امتیاز پیامبر ما نسبت به پیامبران دیگر چیست؟

همه انبیا و همه خلیفه‌های خدا، انسان‌های کامل هستند. اما ظرفیت آنان متفاوت است. و در این میان رسول اکرم (ﷺ) با عظمت‌ترین انسان کامل و خلیفه الله کامل می‌باشند: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾ (بقره/۲۵۳) و در مورد پیامبر فرمود: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (نساء/۴۱). آخرین فرستاده خدا و کامل کننده‌ی بنای زیبای نبوت.

آیا در سیره رسول خدا (ﷺ) نکاتی وجود دارد که راهگشای امروز ما در مشکلات اقتصادی و بیماری کرونا باشد؟

فراوان. ایجاد جو امید و دور کردن از یأس. با اقداماتی چون عیادت کوتاه مدت از بیماران و بشارت به پاک شدن آنان از گناهان، رسیدگی به زندگی افرادی که سرپرست آنان بیمار است (حمایت مادی و معنوی)، ایجاد تعادل روانی و اقتصادی در جامعه مسلمین و تأکید بر ارتباط با خدا برای رفع گرفتاری. در بخشی از کتاب دانشنامه احادیث پزشکی از انتشارات دارالحدیث می‌توانید این سبک از احادیث را ببینید.

آیا روایاتی وجود دارد که نشان‌دهنده ارتباط پیامبر با نسل امروز باشد؟

بله دیگر. همه روایتها. مثلاً پیامبر (ﷺ) فرمود: «إِنَّ أَحَبَّ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ شَأْبٌ حَدَثُ السَّنِّ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ جَعَلَ شَبَابَهُ وَجَمَالَهِ لِلَّهِ وَفِي طَاعَتِهِ ذَلِكَ الَّذِي يُبَاهِي بِهِ الرَّحْمَنُ مَلَائِكَتَهُ يَقُولُ: هَذَا عَبْدِي حَقًّا». در مورد این سوال شما را به کتاب حکمت‌نامه جوان از انتشارات دارالحدیث ارجاع می‌دهم.

اگر پیامبر گرامی اسلام اکنون حضور داشتند، به توهین‌های رئیس جمهور فرانسه چه پاسخی می‌دادند؟

نمی‌دانم. من با توجه به آنچه آموخته‌ام برخورد خودم را می‌گویم. این اهانت‌ها دو بُعد دارد. طبق آنچه از سیره رسول الله (ﷺ) در ذهن دارم، اهانت به شخصیت حقیقی را معمولاً پاسخی جز برخورد مناسب، اخلاق و منش والا نیست. نه اینکه طرف را کاملاً رها کنند، بلکه به تعبیر قرآن ﴿فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عِظْهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾ (نساء/۶۳) خود اهانت را جواب نمی‌دهند (مقابل به مثل نمی‌کنند)، ولی هم سخن حق را مطابق ذائقه مخاطب می‌گویند که به دلش بنشیند (موعظه) و هم سخن حق را مطابق شأن و درک او بیان می‌کنند. به طوری که در جان‌ش اثر گذارد و برایش روشن شود: ﴿قَوْلًا بَلِيغًا﴾.

اما آن بُعد از اهانت‌ها که به شخصیت حقوقی ایشان به عنوان بزرگترین پیام آور حضرت حق مربوط می‌شود، قطعاً بی جواب نخواهد ماند. اینجا دیگر بحث شخص نیست. مدعی العموم وارد می‌شود. به نظر من، در روابط سیاسی و فرهنگی باید ملاحظاتی باشد و همچنین به عنوان اهانت به یکی از مقدسات پیروان ادیان توحیدی (نبوت) باید محاکمه‌ای تدارک دیده شود. حقیقت این است که چون حقوق بلد نیستیم، خیلی نمی‌توانم نظر دقیقی ارائه کنم. البته تا جایی که در ذهن دارم هر جا به شخص پیامبر اعظم (ﷺ) اهانتی می‌شد، خدا شخصاً به حمایت از ایشان بر می‌خاست، مانند ﴿يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنُ قُلِّ أَدْنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (توبه/۶۱) یا ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوفِرَ ... إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ (کوثر/۱-۳) و مواردی از این دست.

از نظر فلسفه و عرفان اسلامی، مفهوم جمله «پیامبر (ﷺ)، عقل کل است» چیست؟ و در چه مرتبه‌ای از وجود است و آیا انسان‌های دیگر هم امکان دستیابی به این مقام را دارند؟

باز هم نظر کارشناسی ندارم. فهم و نظر خودم را عرض می‌کنم.



یادداشت

معرفی کتاب

«آنک آن یتیم نظرکرده»

زهرا صادقی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز

Zhra56603@gmail.com



دین رسمی مردم افغانستان اسلام است. اهل سنت (مذهب حنفی) در اک کتاب رمان «آنک آن یتیم نظرکرده» دربارهٔ فرد یتیمی است که مشهور به «رحمه للعالمین» شد. موضوع این کتاب، سیره و زندگی پیامبر (ص) است. شخصیتی که هیچ‌گاه به مکتب نرفت و خط نوشت، ولی صاحب معجزه‌ی ماندگار قرآن کریم شد.

محمد رزاسرشار با همکاری نشر سوره‌مهر، نوشته‌های خود را در ۶۳۰ صفحه به زبان فارسی نشر داد. ایشان با بهره‌مندی از نثری آهنگین و منابع و مأخذ تاریخی، مخاطبان را به قدم زدن در پهنه تاریخ و می‌دارد. افزون بر آن، نویسنده با استفاده از عنصر خیال به صحنه‌پردازی زیبایی پرداخته است.

این رمان قبل از نشر، در قالب برنامه نمایشی رادیویی به نام «از سرزمین نور» نظر مخاطبان به ویژه مقام معظم رهبری را به خود جلب کرد؛ به گونه‌ای که مقام معظم رهبری در دیدار حضوری با نویسنده و عوامل برنامه، به ادامه کار سفارش کردند. این کتاب به زبان‌های انگلیسی، عربی، ترکی، استانبولی و اردو ترجمه شده است که نشان‌دهنده‌ی گیرایی این اثر است.

«اقرء: بخوان. بخوان محمد. اکنون باید گفت: بخوان مسلمان! بخوان!»

در روزگاری که دنیای استکبار به هجمه علیه پیامبر اکرم (ص) و اسلام می‌پردازد، مطالعه درباره تاریخ صدر اسلام بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند.»



معرفی کتاب

«سیره پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله و سلم) با نگاهی به قرآن کریم»

محمد سلیمانی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز

msbaran90@iran.ir

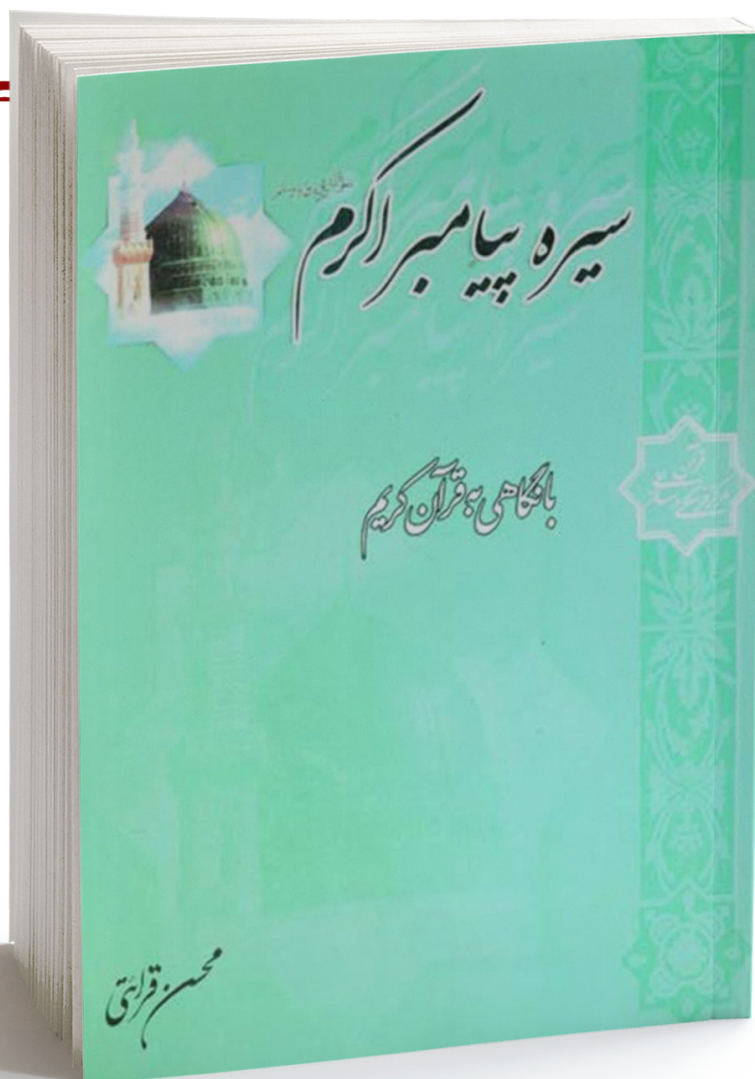
رسول الله (ﷺ) اول ظهور الهی و سرسلسله عالم خلق و تجلی اکمل و اتم حقیقت الهی در عالم خلق می‌باشد. وجود رسول الله (ﷺ) اول خلق از روحانیین می‌باشد. خداوند تمام مخلوقات را از وجود او جاری نموده و سلسله کثرات را از وجود او برقرار نموده است لذا خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ». اوست که تقرب نسبت به او باعث تقرب نسبت به خداوند می‌گردد و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) یعنی فقط رسول الله است که الگوی برتر می‌باشد و هر کس بخواهد به انس با محبوب برسد بایستی خود را مطابق ایشان نموده و همانند او زندگی نماید و همه ائمه (علیهم‌السلام) هم خود را شبیه رسول الله (ﷺ) نمودند که در آن جایگاه عظیم قرار گرفتند.

ناشر «مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن»، این کتاب را با شیوه درسنامه‌وار چاپ کرده است. مولف در کتاب نام‌برده، ضمن تبیین لزوم نیاز به الگو و ترسیم پیامبر اکرم (ﷺ) به عنوان قرآن مجسم، به عنایات ویژه پیامبرگرمی اسلام می‌پردازد. همچنین سیمای پیامبر اکرم (ﷺ) در قرآن، مأموریت‌های عظیم ایشان در تبیین مسیر هدایت و ویژگی‌های ایشان در ابعاد متعددی تحلیل و بررسی می‌نماید و پیامبر (ﷺ) را به عنوان بهترین الگو به مخاطبان معرفی می‌نماید. ایشان در ادامه با طرح

قرآن کریم، شریعت پیامبر اکرم (ﷺ) را الگوی حسنه معرفی کرده است و از آن‌جا که سلسله جلیله نبوت با رسالت پیامبر اعظم (ﷺ)، وجود مقدس محمد مصطفی (ﷺ) پایان یافت؛ لازم است که سجایا، سیره فردی و اجتماعی، سنن و آداب در ابعاد اخلاقی، تربیتی، سیاسی و نحوه مواجهه با اقشار مختلف جامعه و دشمنان شناخته شود تا الگوی بسیار مهمی در طی طریق راه معرفت و اخلاق همه مسلمانان باشد.

از این‌رو، پس از رحلت ایشان در تمامی دوره‌ها از جمله صحابه متقدم، اندیشمندان، ادیبان، شاعران، فلاسفه و معلمان اخلاق هر کدام به گونه‌ای بخشی از فضیلت‌ها و سیره اخلاقی ایشان را وصف نموده‌اند. نگاه به تاریخ سیره نگاری شخصیت پیامبر گرمی اسلام در طول این چهارده قرن، عظمت ابعاد شخصیتی ایشان و اهمیت کار تحقیقاتی و پژوهشی در این زمینه را مشخص می‌سازد.

حجت الاسلام قرائتی، چهره نام آشنا و عالم کوشا در تدوین تفسیر قرآن کریم، کتابی با عنوان «سیره پیامبر اکرم (ﷺ) با نگاهی به قرآن کریم» در سال ۱۳۸۵، سال نامگذاری شده به سال پیامبر اعظم (ﷺ) تألیف کرد. ایشان در مقدمه کتاب نام‌برده می‌نویسد: «حقیقت



رفتاری و اصول اخلاقی و سیره پیامبر با مخالفان، مشرکان، منافقان و کفار را بیان می‌کند.

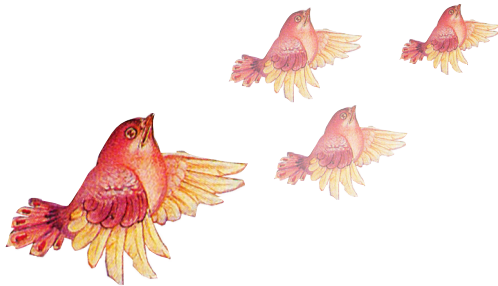
مؤلف گرانقدر این کتاب ضمن اشاره به نگرانی‌های پیامبر و تسلی دادن خداوند، به بررسی کارنامه پیامبر (ﷺ) پرداخته و ایشان را با اشاره به آیه (لَکُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) (احزاب/۲۱) از منظر تمامی ابعاد، الگوی کامل برای همه بشر و به ویژه مسلمانان و شیعیان معرفی می‌کند. مؤلف، وظیفه ما در برابر زحمات و مجاهدت‌های پیامبر اعظم (ﷺ)، لزوم ادب در برابر پیامبر، توجه به رسالت جهانی پیامبر و بشارت‌های تورات و انجیل متذکر می‌شود و در پایان کتاب به تداوم ولایت از مسیر امامت، مسئله جانشینی پیامبر اکرم (ﷺ) و لزوم توجه به حدیث گرانسنگ تقلین را یادآور می‌شود.

مطالعه این کتاب با نکات ارزشمندش در ۱۵۸ صفحه به چاپ رسیده است که مطالعه‌ی آن را به همه ارادتمندان ساحت قدسی پیامبر اکرم (ﷺ) اعم از مسلمانان، شیعیان، به ویژه نسل جوان و به خصوص شما دانشجویان گرامی توصیه می‌کنم.

موضوعاتی همچون پیامبر و همسران متعدد، همسراری پیامبر، پیامبر و امور خانواده، مهربانی با کودکان، مهمان‌نوازی پیامبر، پیامبر و بهداشت، پیامبر و جوانان، ابعاد مختلفی از سیره فردی و اجتماعی پیامبر اکرم (ﷺ) را تبیین نموده است.

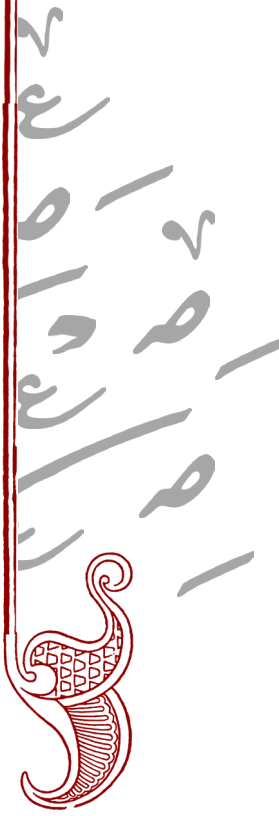
سادگی در سیره پیامبر اکرم (ﷺ)، فرمان‌های سیره‌ساز، عبادت پیامبر، دلسوزی و مهربانی، مشورت با مردم، همگام با یاران، وفای پیامبر، صداقت پیامبر با مردم، پیشگامی در مبارزه، تدبیر پیامبر، قاطعیت پیامبر از عناوینی هستند که در فصل‌های این کتاب بدان پرداخته شده است. همچنین، اشاره به سیره عبادی پیامبر (ﷺ)، سیره تبلیغی، سیره عملی، سیره پیامبر در تقویت نظام دفاعی و شیوه برخورد با رزمندگان از دیگر موارد مطرح شده در این کتاب است.

حجت‌الاسلام قرائتی در ادامه ضمن اشاره به ابعاد مدیریتی، سیره سیاسی و نظامی پیامبر اکرم (ﷺ) به موضوعاتی همچون امان دادن به دشمن، سیره پیامبر (ﷺ) در پذیرش صلح، گرفتن اسیر و رفتار با آن‌ها، برخورد با اشرار، سیره پیامبر با افراد پشیمان، برخورد صبورانه، جلوه‌های



داستان

انتقام



دلم می‌خواهد جلو برم یقه‌اش را بگیرم. سرش داد بزنم شماها که می‌دانید او نیکوکارترین انسان‌هاست، چرا اذیتش کردید؟ آیا شما نبودید که خاکستر بر سرش می‌ریختید؟ مسخره‌اش می‌کردید. حالا که شکست خورده‌اید، زبانتان به طلب بخشش باز شده است؟ ولی از پیامبر خدا حیا می‌کنم که در حضور او قدم از قدم بردارم. حتما خود پیامبر سخت‌ترین انتقام‌ها را خواهد گرفت. حتما از خداوند برایشان طلب سخت‌ترین عذاب‌ها را می‌کند.

پیامبر نگاهی به کعبه می‌کند. می‌گوید: «امروز روز رحمت است، روزی است که خدا به قریش ارزش داد».

دهانم باز می‌ماند. خیره می‌مانم به پیامبر که می‌گوید: «پرچم را به دست مسلمانان بسپارید». ابوسفیان حیران نگاه می‌کند به جایی بالاتر از سر پیامبر. نمی‌تواند باور کند. من هم نمی‌توانم. دست‌انم شل می‌شوند. تنها نگاه می‌کنم به نیکوکارترین مرد مکه.

نگاهم که به کعبه افتاد غرور تمام وجودم را گرفت. خورشید به میانه‌های آسمان رسیده بود و مستقیم می‌تابید. خواستم نزدیک‌تر بروم که زانویم پیچ خورد. یاد ضربه شمشیری افتادم که در جنگ خورده بودم. یکی از سران قریش شمشیر دسته نقره‌اش را تا آن جا که می‌توانست بالا برد بعد با تمام قدرت زانویم را نشانه گرفت. کمی غفلت کرده بودم پیام را از دست داده بودم. لنگ‌لنگان خودم را به کعبه نزدیک می‌کنم. امروز می‌توانیم تمام انتقام‌مان را از قریش بگیریم. هر طور که حساب می‌کنم این حق ماست. کسانی که با پیامبر خدا سر جنگ دارند، همین‌ها بودند که نصف یارانش را شهید کردند. روز جبران است. باید همه‌شان را غارت کنیم، از دم تیغ بگذرانیم‌شان.

خودم را به کعبه می‌رسانم. ابوسفیان از روبرو وارد می‌شود. نگاه می‌کند به کعبه و برمی‌گردد. دوباره جلو می‌آید. سرش را با عجله به اطراف می‌چرخاند. باید هم چنین باشد. تا همین دیروز کلیددار کعبه بود، امروز چون غریبه‌ای تنهاست. نزدیک می‌آید. سرفه‌ای می‌کنم. نگاهش که به من می‌افتد طوری صدایم را آزاد می‌کند که هرکس در این اطراف است، حواسش جمع شود. درد زانویم باعث می‌شود اول نفس عمیقی بکشم.

«امروز روز انتقام سخت است، روزی است که خداوند قریش را ذلیل کرد»

ابوسفیان چند لحظه به من خیره می‌ماند، بعد انگار ترس جدیدی به تمام وجودش تزریق شده باشد. با سرعت برمی‌گردد. چند قدم نرفته که زمین می‌خورد. بلند می‌شود. پیامبر وارد می‌شود. ابوسفیان فراموش می‌کند خاک لباسش را بتکاند. به پیامبر می‌گوید: «آیا دستور قتل قریش را داده‌ای که یارانت چنین شعاری سر داده‌اند؟»

پیامبر لبخندی می‌زند. ابوسفیان دو قدم جلوتر می‌رود. کف دستانش را بالا می‌آورد: «به خانواده‌ام رحم کن. به خدا تو نیکوکارترین آدمی هستی که دیده‌ام».

منابع

(۱) ابن اثیر، عزالدین (۱۴۱۵)، **اسد الغابه فی معرفه الصحابه**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲، ص ۴۴۱

(۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲۱، ص ۱۰۹.



دوازده درهم با برکت

خرمافروش‌ها، مردی تقریباً ۳۰ساله بدون پیراهن نشست. دستش را جلوی هرکسی رد می‌شود، دراز می‌کند و با صدای بلند می‌گوید: «خداوند کسی که به من پیراهن بپوشاند، در قیامت عربانش نکند».

پیامبر نزدیک می‌رود. سلام می‌کند. پیراهن را از تن بیرون می‌آورد و به مرد می‌دهد. آن قدر خوشحال می‌شود که وقتی می‌خواهد تشکر کند، صدایش می‌لرزد. پیامبر لبخندی می‌زند. به من نگاه می‌کند، «بازهم از این پیراهن‌های ۴درهمی داری؟» سرم را به نشانه تأیید پایین می‌آورم. بازار را برمی‌گردیم. امروز بازار برایم با همیشه فرق دارد. این که همراه پیامبر می‌روم، مهربانی‌اش را لحظه‌به‌لحظه می‌بینم، حالم را خوب کرده.

قفل را باز می‌کنم. ۴درهم باقی‌مانده را می‌گیرم. پیراهن دیگری به او می‌دهم. پیامبر، نام خدا را به زبان می‌آورد و می‌پوشدش. چیزی ته قلبم می‌گوید تا در خانه پیامبر همراه او و علی باشم. قفل را می‌زنم چند قدم عقب‌تر مسیر بازار را از جلوی مسگرها، مرغ فروش‌ها، آهنگرها رد می‌شویم. از بازار که خارج می‌شویم. دختر گریان هنوز همان‌جا نشسته. پیامبر نزدیک می‌رود. با صدایی آرام می‌پرسد: «چرا هنوز این‌جایی؟». و او آب دهانش را فرو می‌دهد. سرش را پایین می‌اندازد. نگاه می‌کنم به دستاتش. ۴درهم را محکم گرفته است در مشت. می‌گوید: «خیلی دیر کرده‌ام. می‌ترسم الان که برگردم، اربابم مرا دعوا کند».

پیامبر نگاهی می‌کند به انتهای کوچه؛ به جایی که چند بچه دنبال هم می‌دوند. می‌گوید: «نگران نباش، با تو تا خانه اربابت می‌آیم، از او می‌خواهم که دعویات نکند».

دختر کنار علی و پیامبر حرکت می‌کند. هر بار که به‌صورت پیامبر نگاه می‌کنم، لب‌هایش در حرکت‌اند و زیر لب ذکر می‌گوید. از کوچه سوّم که رد می‌شویم، رنگ صورت آن دختر زرد می‌شود. دستش را سمت خانه‌ای اشاره می‌رود و با صدایی که پر از ارتعاش است می‌گوید: «خانه‌ی اربابم آن‌جاست».

در خانه نیمه‌باز است. پیامبر اسم اربابش را می‌پرسد و از بیرون خانه صدایش می‌کند. مردی چهارشانه از خانه بیرون می‌آید و شال دور کمرش را سفت می‌کند.

پیامبر نگاه می‌کند به مرد و می‌گوید: «این دختر را به خاطر تأخیرش مقصّر ندان».

مرد سرش را بالا می‌گیرد. احساس می‌کنم با تمام وجودش غرق در نگاه پیامبر است. جواب می‌دهد: «حالا که رسول خدا تا در خانه من آمده، این دختر را آزاد می‌گذارم».

پیامبر لبخند رضایت‌بخشی می‌زند. رو به علی می‌گوید: «هنوز ۱۲درهمی به این بابرکتی ندیده‌ام».

از پیامبر خداحافظی می‌کنم. می‌روم سمت بازار و به حرف زید فکر می‌کنم که گفت: «دنبال علی برو؛ در این کار پیامبر حکمتی است». فکر می‌کنم آیا کسی مهربان‌تر از او هم وجود دارد؟

پیراهن‌های سفید را جلوی مغازه می‌چینم که بیشتر توی دید باشند. از صبح تا حالا هنوز چیزی نفروخته‌ام. جاروی دسته‌بلند را برمی‌دارم. خاک‌های کف مغازه را جارو می‌کنم و جمع‌شان می‌کنم. یکجا. هنوز خاک را برنداشته‌ام که علی وارد می‌شود. سلام می‌کند. جوابش را می‌دهم و پشت دخیل می‌روم. قیمت پیراهن سفید کتان را می‌پرسد. می‌گویم: «۱۲درهم». علی پیراهن را برمی‌دارد. ۱۲درهم به من می‌دهد. می‌گویم: «برای خودتان پیراهن را می‌خواهید؟». لبخندی می‌زند و می‌گوید: «نه! برای پیامبر می‌خواهم».

امروز اگر چیزی نفروخته‌ام، در عوض پیراهنی برای پیامبر فروخته‌ام. به علی می‌گویم: «سلام مرا به پیامبر برسان». علی پیراهن را می‌گیرد و تشکر می‌کند و از مغازه خارج می‌شود. خاک‌روب را برمی‌دارم. ته‌مانده خاک‌ها را جمع می‌کنم. پیراهن سفیدی جای پیراهن فروخته‌شده می‌گذارم. زید وارد مغازه می‌شود. سلام می‌کند. دست که می‌دهد، دستش را محکم می‌فشارم؛ و رویش را می‌بوسم. می‌گوید: «امروز خیلی خوشحالی! نکند فروش خوبی داشتی!».

- نه؛ ولی علی یک پیراهن خرید برای پیامبر.

- از کدام پیراهن‌ها؟

پیراهن سفید را نشان می‌دهم. می‌گوید: «یکی هم از همین به من بده». پیراهن را برمی‌دارد و ۱۲درهم می‌دهد. چیزی نگذشته که علی برمی‌گردد. هردویمان به احترامش بلند می‌شویم. می‌گوید: «پیامبر فرمود اگر می‌توانی این معامله را بر هم بزن».

بدون هیچ سؤالی می‌گویم: «هر طور که رسول خدا بخواهد». ۱۲درهم را پس می‌دهم و پیراهن را می‌گذارم سر جایش. علی می‌رود. زید می‌گوید: «من جای تو بودم، با علی می‌رفتم تا ببینم حکمت این کار پیامبر چیست». بد فکری نیست. مغازه را می‌بندم و می‌روم سمت خانه پیامبر.

دم در که می‌رسم، پیامبر با علی از خانه بیرون می‌آیند. پیش از آن که سلام کنم، پیامبر سلام می‌کند. امروز عطر رازقی استفاده کرده. تمام کوچه را بوی رازقی گرفته. عقب‌تر از پیامبر و علی حرکت می‌کنم. هنوز به بازار نرسیده‌ایم که دختری نشسته بین راه. پیامبر نزدیک می‌رود. سلام می‌کند. می‌پرسد: «چرا این‌جا نشسته‌ای؟». قطره‌ی اشکی روی گونه‌اش سر می‌خورد.

- ۴درهم اربابم به من داده، گمش کرده‌ام، می‌ترسم برگردم خانه، اربابم مرا دعوا کند.

پیامبر از جیبش ۴درهم بیرون می‌آورد و به او می‌دهد. به من می‌گوید: «در مغازه‌ات پیراهن ارزان‌تر هم داری؟» جواب می‌دهم: «البته که دارم».

قفل را باز می‌کنم. پشت دخیل می‌روم. پیراهن‌های ۴درهمی را به پیامبر نشان می‌دهم. یکی را انتخاب می‌کند و می‌پوشد. دلم می‌خواهد امروز را با پیامبر باشم. او که خارج می‌شود، دوباره قفل را می‌زنم. دنبالش راه می‌افتم توی بازار. جلوی بازار کنار

منبع

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)،

بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار،

بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۶، صص ۲۱۵-۲۱۴.



یادداشت

نقد داستان ورقه بن نوفل از دیدگاه محققان علوم قرآنی

نرگس زارعیان جهرمی
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز

nzjahromi@gmail.com

مرحوم طبرسی در تفسیر سوره مدثر می‌گوید: «به درستی که خداوند به رسولی وحی نمی‌کند مگر با دلایل روشن و نشانه‌های آشکار. این خود دلالت دارد که آنچه به او وحی می‌شود از جانب حق تعالی است و به چیز دیگری نیاز ندارد و هرگز ترسانده نمی‌شود، نمی‌هراسد و به خود نمی‌لرزد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۸۴).

و در پایان، به بررسی حدیثی و تاریخی این داستان پرداخته می‌شود. محقق و مفسر تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، روایت این داستان را مرسل برمی‌شمرد، زیرا که سند حدیث به شخص نخست، شاهد داستان، نمی‌رسد. همچنین در نقل این داستان، اختلاف نقل وجود دارد و این موجب اضطراب روایت و بی‌اعتباری آن می‌شود. افزون بر موارد پیش گفته باید توجه داشت که بنا بر نظر مورخان، ورقه بن نوفل تا ظهور پیامبر اسلام (ﷺ) زنده بود و هرگز به دین اسلام مشرف نگردید و سرانجام کافر از دنیا رفت. حال چطور فرد کافر می‌تواند به پیامبر (ﷺ) آرامش دهد؟

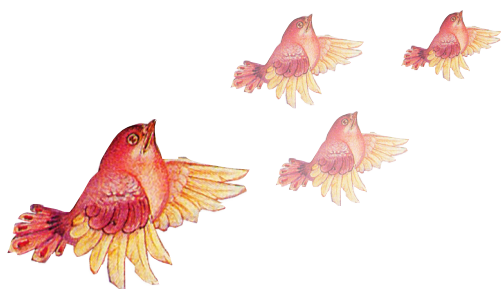
گروهی از مستشرقان با مراجعه به منابع اهل سنت بر این باور هستند که پیامبر (ﷺ)، معارف قرآن کریم را از فردی به نام ورقه بن نوفل آموخته است. مونتگمری وات در کتاب «محمد در مکه» می‌نویسد: «هنگامی که محمد آیات قرآن را تکرار می‌کرد این آیات باید مدیون بودن او را به ورقه یادآوری کرده باشند. بنابراین جای این تصور هست که محمد در ابتدا تماس‌های مکرری با ورقه داشته و بسیاری از مطالب را از ورقه یاد گرفته است. همچنین احتمال دارد که مفاهیم اسلامی بعدی، همچون ایده ارتباط و حیه‌های محمد با وحی‌های پیشین، به طور وسیعی از ورقه باشد. دلیلی برای رد این داستان که خدیجه به او اطمینان داده وجود ندارد، بلکه دلالتی وجود دارد که محمد در این مرحله اعتماد به نفس نداشت. تصویر کلی داستان از ساختگی بودن به دور است، اگرچه ممکن است جزئیات از روی حدس و تصور اضافه شده باشد. به نظر می‌رسد بقیه داستان تلاشی باشد برای توضیح این که چرا به رغم اینکه ورقه محمد را تایید کرد، اما مسلمان نشد» (وات، ۱۹۷۹، ص ۵۰-۵۲).

اما محققان علوم قرآنی به بررسی و نقد این شبهه تاریخی پرداخته‌اند که اینک در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

مرحوم معرفت در نقد این داستان می‌نویسد: «چگونه پیامبری که از مدت‌ها قبل، مدارج کمال را طی کرده و نوید نبوت را احساس کرده، حقایق بر وی آشکار نشده است. در حالی که بالاترین عقول را در خود یافته است. «ان الله وجد قلب محمد افضل القلوب»، چگونه انسانی که چنین تکامل یافته در آن موقع حساس، نگران می‌شود و به خود شک می‌برد؟ سپس با تجربه یک زن و پرسش یک مرد، که اندک سواد دارد، این نگرانی از وی رفع می‌شود؟ آن‌گاه اطمینان حاصل می‌کند که پیامبر است! این داستان علاوه بر آن که با مقام شامخ نبوت منافات دارد، با آیات و روایات صادر از اهل بیت (علیهم‌السلام) مخالف است» (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۳۲).

منابع

۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲. معرفت، محمد هادی (۱۳۷۸)، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۳. وات، مونتگمری (۱۹۷۹)، محمد فی مکه، ترجمه شعبان برکات، بیروت: المكتبة العصرية.



احمدی و محمد و محمود

شماره

دکتر قاسم کاکایی
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

ای که در رنجها و سختیها
نشده از لبت جدا خنده

احمدی و محمد و محمود
هم رثوف و جواد و بخشنده

رحمتی از برای عالمیان
جن و انسان به تو پناهنده

چون شفیعِ اُمم تویی در حشر
نیست ما را هراسِ پرونده!

قاسم عمری است می‌زند در تو
در دیگر ندارد این بنده

رهرو توست جمله خیل مَلک
ره‌نشین تو هر تابنده

در سماءِ نبوتی خورشید
انبیا از رخ تو تابنده

ریزه‌خوارِ معارف از خلق
هم قدیم‌اند و حال و آینده

صاحبِ کوثری و خُلُقِ عظیم
گشته حیدر تو را نماینده

گاه عابد به مسجد و محراب
که به میدان جنگ فرمانده

ای گرامی نبیّ فرخنده
خلقی از دعوت تو شد زنده

خاتم انبیا و هم رسل
شرعِ نورانی تو پاینده

حقّ ثانی و صادر اول!
خلق در فهم آن چه درمانده!

ای که گردون ز تو بُود گردان
هم به گردت جهان گردنده

کاملان در برابرت ناقص
شاهدان از رخ تو شرمنده



الهام استوار
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز



۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
☆			☆					☆	☆	۱
☆	☆	☆				☆				۲
☆						☆				۳
☆						☆				۴
☆	☆			☆	☆		☆	☆	☆	۵
				☆					☆	۶
		☆	☆				☆			۷
				☆			☆			۸
☆					☆	☆		☆		۹
	☆					☆				۱۰



و ل

افقی:

۱. از صفات پیامبر مرتبط با موضوع این شماره از نشریه، یکی از نام های پیامبر(ﷺ) در قرآن
۲. رُسُل در هم ریخته، همسر آدم
۳. از صفات پیامبر به معنای گذشت، در آیه ۸ سوره انسان طعام را به ... بخشیدند.
۴. پاپوش اسب، جذاب
۵. علامت جمع مونث در زبان عربی
۶. با توجه به آیه ۳۳ سوره انفال وجود پیامبر(ﷺ) مانع آن است، جهت چپ
۷. لیل، مقابل شر، دوستی
۸. افزودن لاتین، تکرار حرفی، از صفات پیامبر(ﷺ) به معنای بردبار
۹. سالک
۱۰. ﴿و... إِلَى اللَّهِ يَذْنِبُهُ وَيَسِرَّاجًا مُنِيرًا﴾ (احزاب/۴۶)، از صفات پیامبر(ﷺ) به معنای راستگو

عمودی:

۱. پیامبر(ﷺ) هیچ گاه قوم خود را... نکرد، ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ... وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ (احزاب/۴۵)
۲. نام یکی از تنوین های عربی، بنده
۳. پیامبر، عدد ۹ عامیانه
۴. ﴿لَعَلَّكَ... نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء/۳)
۵. نام پیامبر رحمت، خرید و فروش
۶. تمسک، بخش اول کلمه عادل
۷. پیامبر(ﷺ) نیازمندان را... می کرد، ۳۸ مین سوره قرآن کریم
۸. «و من... غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه»، کشف ادیسون
۹. توان، از صفات پیامبر(ﷺ) با توجه به آیه ۱۲۸ سوره توبه
۱۰. از غزوات پیامبر(ﷺ)، آیا



در محضر ائمہ اطہار

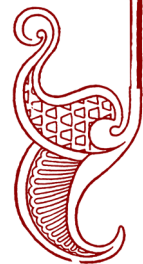
فی عیون اخبار الرضا (ع) باسناده عن مولانا و سیدنا، علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية والثناء - عن آبائه، عن علی بن ابي طالب (ع) قال:

«قال رسول الله (ص): «ما خلق الله أفضل مني؛ ولا أكرم عليه مني». قال علي (ع): «فقلت: يا رسول الله فانت أفضل أم جبرئيل (ع)؟» فقال (ع): «يا علي إن الله - تبارك وتعالى - فضل أنبيائه المرسلين على ملائكته المقربين وفضلني على جميع النبيين والمرسلين والفضل بعدي لك يا علي وللائمة من بعدك؛ وإن الملائكة لخدامنا وخدام محبينا. يا علي، الذين يحملون العرش ومن حوله يسبحون بحمد ربهم ويستغفرون للذين آمنوا بولايتنا يا علي، لولا نحن ما خلق الله آدم (ع) ولا حواء ولا الجنة ولا النار؛ ولا السماء ولا الأرض فكيف لا نكون أفضل من الملائكة وقد سبقناهم إلى معرفتنا ربنا وتسميته وتبليغه وتقديسه لأن أول ما خلق الله - عز وجل - أرواحنا؛ فأنطقها بتوحيده وتمجيدِهِ ثم خلق الملائكة»

(ابن بابويه، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۲۶۲):

در عیون اخبار الرضا از امام رضا (ع) از پدرانسان از امام علی (ع) نقل شده است:

«رسول خدا (ص) فرمودند: «خداوند مخلوقی برتر از من و گرامی‌تر از من خلق نفرموده». حضرت علی (ع) فرمود: «گفتم: «ای رسول خدا، شما برترید یا جبرئیل؟»». فرمود: «ای علی، قطعا خدا - تبارک و تعالی - انبیای مرسل خود را بر ملائکه مقربش برتری عطا فرمود و مرا بر تمامی انبیا و مرسلین برتری داد. و پس از من فضل و برتری از آن تو و ائمه پس از توست، و فرشتگان خادم ما و خادم دستداران ما هستند. ای علی، حاملان عرش و همه کسانی که گرداگرد عرشند، به ولایت ما خداوند را با حمد کردن می‌ستایند و تسبیح می‌گویند و برای مؤمنان طلب مغفرت می‌نمایند. ای علی اگر ما نبودیم، آدم (ع)، حواء، بهشت، جهنم، آسمان و زمین خلق نمی‌شد. پس، چگونه (ممکن است) از ملائکه برتر نباشیم و حال آن که ما در شناخت خداوند و تسبیح و تهلیل و تقدیس او، بر آنان پیشی گرفتیم؛ زیرا اولین موجودی که خدای عزوجل خلق فرمود، روح ما بود که آن (روح‌ها را) به توحید و تمجید خود گویا فرمود. سپس، ملائکه را خلق نمود».





بها : دو هزار تومان